

### تلر

طایفه ترك غور متعلق به خلیج (بلیو- ص ۱۰۰).

### توخی

طایفه ترك غور متعلق به خلیج ( بلیو ص ۱۰۰).

### تورانیان

- ۱ - اندازه‌های سر - شاخص سر ۷۹/۳ ( دوخانیسکف ص ۵۹ - ۶۳ )  
سرایرانیان بلندتر از سر تورانیان است ( ص ۶۲ ) . ایران مدت ۵۰۰ سال تحت سلطه یونانی و سامی و آرامائی و تورانی بود؛ ۶۰۰ سال تحت سلطه تورانیان . ( دوخانیسکف-ص ۷۴ - ۷۶ ) . اندازه های جمجمه ( ص ۱۳۲ - ۱۳۹ ) .
- ۲ - نواحی کوهستانی بین لرها و فارسها مرکز اختلاط آریانیان و تورانیان و سامی ها بود . عناصر تورانی در بعضی نقاط نفوذ دارند . در نقاط دیگر از بین رفته است ( هوسی - ص ۱۲۲ ) . در شوش نژادی از اختلاط تورانی و ایرانی و سیاهپوست وجود دارد ( ص ۱۳۶ - ۱۳۷ ) نقص شکل سر ممکن است از اصل تورانی باشد ( ص ۱۴۳ ) .
- ۳ - فامیل زبان تورانی آسیای مرکزی شامل لهجه های ترکی و زبان مغولی و زبانهای فنلاندی و زبان طبقه حاکمه نژاد تاتار در چین می باشد ( کندر ص ۳۰ - ۵۱ ) .
- ۴ - هزاره ها متعلق بفامیل تورانیان هستند و قیافه مغولی و چشم کج و کمی ریش آنها مؤید آنست ( کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۱ - ص ۱۹۸ ) .
- ۵ - احتمال میرود که نژاد تورانی ( سیری باسینیتی ) در ازمه ما قبل تاریخ در مغرب آسیا و قسمت مرکزی و جنوبی اروپا وجود نداشت ( بریشتون- ص ۵-۴ ) .
- ۶ - دو قبیله ایرانیان قدیم که هرودوت ذکر کرده یعنی بودائی و مگی ممکن است از نژاد تورانی باشند ( سایکس ۱۹۲۱- ص ۹۵-۹۹ ) .
- ۷ - همیشه از راه ایران آریانیان و تورانیان به بین‌النهرین آمدند ( ورنل ص ۲۰ - ۲۱ ) ایرانیهای آریائی زبان اختلاف عمده بین ایران و توران قائل

میشوند اگرچه خون تورانی در آنها زیاد است ( ص ۴۴ ) .

- ۸ - در بعضی نقاط ایران در ۲۰۰۰ سال قبل از میلاد مغولهای تورانی -  
زبان جای ایرانیان بومی را گرفته یا با آنها مخلوط شدند ( ویلسون ۱۹۳۲ -  
ص ۲۸-۳۰ ) .

### تهرانی

جمجمه بختیاری شبیه جمجمه تهرانی است که نمونه جمجمه ایرانی مخلوط  
باترک است ( دوخانیکوف ص ۱۰۹ ) اندازه‌های جمجمه ( ص ۱۳۳ - ۱۳۹ ) .

### قیلاکو

کردهای اردلان نزدیک هوانو - ۶۰۰ خانوار ( کروزن ۱۸۹۲ - جلد ۱ -  
ص ۵۵۵ - ۵۵۷ ) .

### تیموری

- ۱ - دائرةالمعارف بریتانیا قبل از ۱۸۹۲ تحت عنوان مغول ۲۵۰ هزار  
تیموری در خراسان صورت می‌دهد ( کروزن ۱۸۹۲ جلد ۱ - ص ۱۷۹ ) . در  
نواحی مرکزی جام و باخزر و خواف اکثریت مردم از نژاد عرب هستند و تیموری  
فامیده می‌شوند و یکی از قبایل چهار ایماک تعلق دارند . نام آنها مشتق از تیمور  
است که آنها را از وطن اصلی خود بجای دیگر منتقل کرد . در سایر نقاط خراسان  
نیز مراکز تیموری وجود دارد . بلیو آنها را یکی از قبایل اصلی چهار ایماک  
می‌داند و جمشیدی و فیروزکوهی را از شعب آن می‌داند ( جلد ۱ ص ۱۹۸-۱۹۹ ) .  
۲ - در خراسان قبایل تیموری عرب نژاد وجود دارد ( سایکس ۱۹۲۱  
جلد ۲ - ص ۳۹۲ ) .

- ۳ - تیموریها که نزدیک مرزافغان زندگی می‌کنند به‌هشت قبیله عمده  
تقسیم می‌شوند ( ایوانو - ص ۱۵۳ ) .

### تیمونی

- ۱ - از قبایل اصلی چهارایماک گفته میشود از نژاد ایرانی هستند که اکنون

## فهرست قبائل و گروه‌های نژادی - ۷۵۵

در ایران پیدا نمیشوند (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۱ - ص ۱۹۸).

۲ - تیمانی و چهار ایملک و سایر قبایل در قلب افغانستان زندگی میکنند.  
(سایکس ۱۹۲۱ - جلد ۲ - ص ۲۱۷).

### جات

بلوچیه با جاتها و هندوها در مشرق مخلوط شده‌اند (دنیکر - ص ۵۰۸).

### جانکی

۱ - جانکی گرمسیر و سرد سیر از نژاد ترك هستند (لابارد - ص ۷۰).

۲ - لابارد میگوید جانکی‌هایك قبيله بختیاری‌اند که بین ملامیر و رامهرمز زندگی میکنند (هوسی - ص ۱۲۲).

اندازه‌ها (ص ۱۲۲). مردان این قبيله که لابارد میگوید ترك هستند در نظر اول خصوصیات جسمانی لرها را نشان میدهند. همان قد بلند بدن عضلانی قوی مو و ریش مجعد و خیلی دراز و خیلی سیاه بینی دراز و صاف پوست رنگ روشن و این مطلب از این جهت عجیب است که در ناحیه گرم کوهستانی سکونت دارند. ارقام اندازه گیری حاکی از عنصر ترکمنی است. شاخص سر ۸۳/۷ اگر چه خیلی کمتر از شاخص سر بختیاریها است ولی نسبتاً زیاد است شاخص پیشانی و چانه ۷۴/۵ نیز زیاد است. بنابر این این قبيله بطور قابل ملاحظه با سایر قبایل بختیاری از حیث سر کوتاهی و داشتن تعداد زیادتری خصوصیات آریائی فرق دارد. تعداد موخرمائی (مانند فارس) زیاد است. دیگران دارای مو و ریش سیاه و چشم آبی می‌باشند خصوصیتی که در میان لرها نیز دیده میشود (ص ۱۲۲ - ۱۲۶) بختیاری (جانکی) شاخص بینی ۶۰/۰ (ص ۱۳۳).

### جباره

۱ - از قبایل بادیه نشین خمه (عرب) فارس و لارستان (۱۸۹۰ کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۲ - ص ۱۱۲-۱۱۴).

۲ - از شعب فرعی شاخه عرب خمه - در اصل از نجد یا عمان مهاجرت کردند (سایکس ۱۹۲۱ - جلد ۲ - ص ۴۷۹).

### جبر اچی

قبیله کرد اردلان در بلاور یا مامون سه هزار خانوار (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۱ - ص ۵۵۵ - ۵۵۷).

### جد رسی

قبیله مهاجر به کناره بلوچستان (سایکس ۱۹۲۱ - جلد ۱ ص ۹۵-۹۹) .

### جرفی

قبیله عرب خوزستان که تعداد افراد ذکور آنها بیش از ۵۰۰ نفر است. (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۲ - ص ۲۲۰ - ۳۲۲) .

### جرمانیان

۱- قبیله ایرانی که بکشاورزی اشتغال دارند (هرودوت I-۱۲۵) .  
۲ - معمولاً کرمانیان نامیده شده و نزدیک کرمان زندگی میکردند . در میان ایرانیان مردم مشخصی هستند (لارنس) .

### جعفر بیگلو

«جعفر بیگی» از قبایل بادیه نشین قشقایی (ترك) فارس و لارستان ۱۸۷۵ (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۲ - ص ۱۱۲ - ۱۱۴) .

### جلالوند

قبیله کرد کرمانشاه تحت نظر سر تیپ کردند. بابوانجی یک هزار خانوار. (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۱ ص ۵۵۷) .

### جلایر

قبیله ترك ساکن کلات نادری (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۱ - ص ۱۳۹) .

### جلیوند

قبیله غیر متحرك کرد در مشرق کرمانشاه ۳۰۰ خانوار (کرزن ۱۸۹۲ -

## فهرست قبائل و گروه‌های نژادی - ۷۵۷

جلد ۱ ص ۵۵۷).

### جمشیدی

زولوتارف تر کمنها و جمشیدیه‌ها و غیره ایران را ۳۲۰۰۰۰ تخمین می‌زند (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۲ ص ۴۹۲ - ۴۹۴). یکی از چهار قبیله اصلی چهار ایمک . از نژاد ایرانی هستند ولی قسمت عمده‌شان در زمان قدیم ایران را ترك کرده در افغانستان ساکن شدند. در ۱۸۵۷ عده‌ای عودت داده شده و نزدیک مشهد مستقر شدند . بلیو جمشیدیه‌ها را از شعب تیموری چهار ایمک میداند (جلد ۱ - ص ۱۹۸).

### چاودر

طایفه‌ای از تر کمنها (بکستون ۱۹۲۹ - ص ۶۲۳).

### چته

از هزاره‌ها س کوناهند و لی شاخص بینی آنها ۵۸ و بنا بر این از نژاد پامیرند (هدون - ص ۱۰۳).

### چنگیانی

در مورد کولیه‌ها اصل‌زنگاریهای اروپائی یا مشابه آنها را در چنگیانی ترکیه میتوان یافت (سابکس - ص ۳۴۴).

### چوبانکره

قبیله غیر متحرك كرد در کرمانشاه ( کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۱ ص ۵۵۷).

### چهار ایمک

۱ - چهار ایمک در مرزهای غربی نزدیک هرات در افغانستان هستند (بلیو ص ۱۳).

۲ - قبایل سرگردان در مرز افغانستان. چهار ایمک در اصل از چهار قبیله جمشیدی و فیروز کوهی و تیموری و تیمولی تشکیل میشد . بعداً دو قبیله دیگر

یعنی هزاره و کیپچک بآن اضافه شد. فیروز کوهی و تیمونی و کیپچک اکنون در ایران یافت نمی‌شوند با اینکه گفته شده است دو قبیله اولی از نژاد ایرانی هستند، بلیو چهار ایملک اصلی را متشکل از تیموری و تیمونی و داهی و سوری میداند، جمشیدی و فیروز کوهی از شعب تیموری و هزاره مترادف داهی است ( کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۱ ص ۱۹۸).

۳ - ساکنین قلب افغانستان (سایکس - جلد ۲ ص ۳۱۷).

#### چهار پنجه

قبیله غیر متحرک قشقائی (ترك) لارستان و فارس ۱۸۹۰ (کرزن ۱۸۹۲ جلد ۱ - ص ۱۱۲ - ۱۱۴).

#### حاجی مسیح خان

از قبایل بادیه نشین قشقائی (ترك) فارس و لارستان (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۲ - ص ۱۱۲ - ۱۱۴)

#### حباشی

یا حبشی در مکران و لارستان. ممکن است با شوشیهای باستان منسوب باشند (هوسی - ص ۱۲۶)

#### حجمی

رجوع شود به حجمی.

#### حلولان

قبیله لر در لرستان ولی زیر عنوان قبایل کرد کرمانشاه ثبت شده‌اند. بادیه نشین در کوهستانهای جنوب شرقی کرمانشاه و قسمت علیای کوخه  
۰۰۰ ۴ خانوار (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۱ - ص ۵۵۲).

### حلیلان

رجوع شود به حولولان.

### حمودی

قبیله عرب درخوزستان که تعداد افراد ذکور آن متجاوز از ۵۰۰ نفر است (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۲ ص ۳۲۰-۳۲۳).

### حمید

«حمید» قبیله عرب درخوزستان که تعداد افراد ذکور آنها متجاوز از ۵۰۰ نفر است (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۲ ص ۳۲۰-۳۲۲).

### حیدرآلو

قبیله بزرگ کرد آذربایجان درمرز نزدیک خوی (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۱ ص ۵۵۵-۵۵۷).

### خلج

۱ - يك قبیله ترك که نام ترکی خود را حفظ کرده است. درتزدیکی تهران در مزلقان سکونت دارند. نویسنده آنها را مزلقانی خوانده است. اکثر آنها سر دراز هستند و احتمال میرود بطور قابل ملاحظه با ایران مخلوط شده باشند. از همه گروههای اندازه گیری شده زیادتیر مو دارند موی آنها موجدار - لب متوسط دندان متوسط تا کوچک - قد ۱۶۴/۳ - شاخص سر ۷۶/۵ - حد اکثر قطریشانی ۱۰۶ - عرض گونهها ۱۳۹ - عرض فکین ۱۰۳/۱ (دانیلو).

۲ - قبیله ترك قزلباش درجدولهای سلسله نسب رشیدالدین خلج یا صاحبترکلج ثبت شده. شکلهای دیگر این نام عبارت است از کلیج و خلیج. خلجهای ایران از همان نژاد خلیج و خلجی و قلجی یا قزلزائی افغانستان هستند ولی قبیله اخیر چندین قرن پیش برادران ایرانی خود را ترك کرد و نویسندگان شرقی حتی در اوایل قرن دهم ساکن افغانستان ذکر کرده اند. یکی از قبایل ترك از اولاد

افزوخان دانسته‌اند. این قبیله در سال ۱۲۰۰ به قشون چنگیزخان ملحق شد و بعد-ها در آسیای صغیر استقرار یافت. بعدها قسمتی از آنها در ایران مستقر شدند و در سال ۱۴۰۴ آنها را در ناحیه فعلی که نزدیک ساوه است می‌یابیم قسمتی از قبیله در فارس و کرمان و آذربایجان سکونت دارند (هتوم - شیندلر ص ۴۸ بعد).

### خلجی

- ۱- افغان - اندازه های جمجمه ( دوخانیگف ص ۱۳۳ - ۱۳۹ ).
- ۲- « قلزائی » یکی از عناصر عمده افغانستان ( بلیو - ص ۱۳ ).  
« خلجی » یعنی شمشیر زن ، وقتی وارد غور شدند شاید فقط از قبایل خالص ترك هتك و توخی و اندار و تراکی و تولر و پولر متشکل بودند ( ص ۱۰۰ ).  
خودشان را خلجائی می‌گویند و دیگران آنها را قلزائی میخوانند تعداد آنها زیاد در ناحیه بین جلال‌آباد و کلات خلجی پراکنده‌اند ( ص ۹۷ ).
- ۳- غلزائی یا قلزائی ( بلیو آنها را قلیج نوشته ) یکی از دو قبیله بزرگ جنوب افغانستان است نژاد مختلط متشکل از صد هزار خانوار زمانی نیرومندترین قبیله قندهار بود . تصور می‌رود قلزائی‌ها با خلج که ادریسی ذکر کرده یکی باشند ولی لانگورث دیمز در این مطلب تردید دارد ( سایکس ۱۸۹۲ جلد ۲ - ص ۲۱۷-۲۱۸ ).

### خمسه

- ۱- قبایل عرب فارس و لارستان. عدد آنها کمتر از قبایل ترك است و متجاوز از سه هزار چادر میشود. در همان ناحیه پراکنده هستند و نسب خود را از قبیله بتی شربان عربستان میدانند. طبق نظر راس ( ۱۸۷۵ ) قبایل خمسه متشکل است از: « باصری، نیار، بهارلو، آرایالو، ابولوردی، عمله‌شاهی، و ممسنی ( ترك ) . »  
در ۱۸۸۹: « بجرى، نوفر، بهارلو، اپتاو » . در ۱۸۹۰: « بصیری، آینه‌لو، شیوائی صفری، جباره » . ( کرزن ۱۸۹۲ جلد ۲ - ص ۱۱۲ - ۱۱۴ ).
- ۲- قبایل خمسه در ناحیه وسیعی در سمت مشرق ناحیه قشقائی چراگاه دارند. در زمستان بحوالی بندر عباس و لار و در تابستان بحوالی نیریز و ده بید نقل‌مکان میکنند. پنج قبیله عبارتند از عرب ، آینه‌لو ، بهارلو ، باصری و نفر .

## فهرست قبائل و گروه‌های نژادی - ۲۶۱

اعراب که بیش از نیمی از افراد قبایل را تشکیل می‌دهند و به دو شعبه شیبانی و جباره تقسیم شده‌اند در اصل از نجد و عمان مهاجرت کرده‌اند و چهار قبیله دیگر از نژاد ترك هستند. زبان معمولی آنها عربی مخلوط با فارسی و ترکی و لری است. تعداد آنها ۷۰۰۰۰ نفر است (سایکس ۱۹۲۱ - جلد ۲ - ص ۴۷۹).

### خنافره

یکی از قبایل عرب خوزستان که تعداد افراد ذکور آنها متجاوز از ۵۰۰ نفر است (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۲ - ص ۳۲۰ - ۳۳۲).

### خواجهوند

«خواجهوند و لك‌های دیگر» در دشت‌های شمال تهران زندگی میکنند. بادیه نشین هستند. قبیله بومی ایران محسوب میشوند و بزبان فارسی مخلوط با ترکی تکلم میکنند (هتوم - شیندلر ص ۴۸ ببعد).

### خوالین

قبیله بادیه نشین قشقایی (ترك) فارس و لارستان ۱۸۹۰ (کرزن ۱۸۹۲ جلد ۲ - ص ۱۱۲ - ۱۱۴).

### خوزی

- ۱ - فارسی و عربی و خوزی در خوزستان بکار برده می‌شود. ظاهر خارجی ساکنین زرد و لاغر باریش کم و موی غیر انبوه (اصطخری - مقایسه شود با هوسی ص ۱۲۷).
- ۲ - تصور می‌رود خوزستان از اوچا مشتق شده باشد و بومیان ؛ که در خطوط میخی حجابها یافت می‌شود شاید ریشه اوخی Uxii استرابود پلینی نیز همان باشد (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۲ - ص ۳۲۰).
- ۳ - یاقوت می‌نویسد خوزیها نژاد فرومایه و برنگ سیاه یا مسی هستند (سایکس ۱۹۰۲ - ۳۴۳).
- ۴ - موطن در ایلام - هوسی یا کوسی اوخیانهای Uxians یونانی هستند. این نام در کلمه خوزستان باقیمانده است (سایکس ۱۹۲۱ جلد ۱ - ص ۵۰-۵۳).

### داده‌تائی

یکی از قبایل بادیه‌نشین قشقائی (ترك) فارس و لارستان (گرزن ۱۸۹۲ - جلد ۲ ص ۱۱۲-۱۱۴).

### دارابخانی

یکی از قبایل بادیه‌نشین قشقائی (ترك) فارسی و لارستان ۱۸۷۵ (گرزن ۱۸۹۲ - جلد ۲ ص ۱۱۲-۱۱۴).

### دانه‌ها

- ۱- یکی از قبایل بادیه‌نشین پارس (هرودوت I-۱۲۵).
- ۲- یاداهه در مشرق خزر و اینکه این نام اهمیت نژادی داشته باشد تردید است (لارنس).

### داهی

طبق نظر بلیوی یکی از قبایل اصلی چهار ایملك مترادف با هزاره (گرزن ۱۸۹۲ - جلد ۱ ص ۱۹۸).

### درانی

یکی از دو قبیله بزرگ افغانستان ساکن ناحیه شرقی (سایکس ۱۹۲۱ - جلد ۲ ص ۲۱۶-۲۱۸).

### دراویدیها

- ۱- نژاد دراویدی که در حجاریهای سوازا نشان داده شده‌اند ممکن است اسیر یا برده باشند (برینتون ص ۲).
- ۲- قبیله براهوئی بطور قطع از نژاد درایدی است. ممکن است نژاد دراویدی زمانی از هند تا شط‌العرب گسترده بوده است (سایکس ۱۹۰۲ ص ۳۴۲-۳۴۳).
- ۳- زبان براهوئی از نوع زبان دراویدیها است (هدون ص ۱۰۳).

## فهرست قبائل و گروه‌های نژادی - ۷۶۳

- ۴- شاخه‌های نژاد آریان با دراویدیه‌ها مخلوط شده (ورل-ص ۱۲۱-۱۲۲).
- ۵- دراویدیه‌ها (بر اچوئی‌ها) که عمده آنها قنبرانی و منگال یا مونگال هستند در سراسر جنوب بلوچستان و کوهستان خاران پخش هستند. بلوچها با دراویدیه‌ها مخلوط شده‌اند (مکمون ص ۷).

### درزاده

«درزاده» يك قبیله ایرانی در بلوچستان (مکران) (مکمون ص-۷).

### درنگیان

بنواحی شمالی بلوچستان مهاجرت کردند (سایکس ۱۹۲۱-جلد ۱-ص ۹۵-۹۹).

### دروپیکان

- ۱- از قبایل بادیه‌نشین پارس (هرودوت I- ۱۲۵).
- ۲- از نام دروپیتی مشتقات زیادی وجود داشته و ممکن است اصطلاحی بوده برای «بیچاره» (لارنس).

### دروز

عناصر هند و ایرانی در میان دروزها متنوع و زیاد است. احتمال می‌رود در بادی امر درین النهرین با هم ازدواج کرده و بعدها در سوریا با ایرانیان مخلوط شده می‌باشند. از نظر نژادی دروزها مخلوطی از ایرانیها و عراقی‌ها و اعراب ایرانی شده باشند (هیتی ص ۲۲-۲۳) فن لوشان آنها را نماینده هیتی‌های عهد باستان می‌داند (ص-۱۵).

### دروزیان

يك قبیله ایرانی که به کشاورزی اشتغال دارند (هرودوت I- ۱۲۵).

### دره شوری

۱- «دره شولی» از قبایل بادیه‌نشین قشقایی (نوک) ۱۸۷۵ و ۱۸۹۰ (کرزن

۱۸۹۲ - جلد ۲ - ص ۱۱۲-۱۱۴).

۲ - یکی از قبایل عمده قشقائی (سایکس - جلد ۲ - ص ۴۷۷-۴۷۸).

### دنارونی

۱ - یکی از شعب فرعی بختیاریهای اصفهان (لایارد ص ۷).

۲ - لایارد میگوید يك قبيله بختیاری هستند که در ۱۸۳۰ از علایر باصفهان

آمده اند (هوسی ص ۱۲۲).

### دهوار

۱ - متعلق به نوع هندوایرانی (هدون - ص ۸۶).

۲ - دهوارها یا دخانها قسمتی از جمعیت ایرانی بلوچستان هستند (مکمون

ص ۷).

### ذوالقدر

قبیله قزلباش ترك - محدودی از آنها باقیمانده . در آذربایجان زندگی می-

کنند (هتوم - شیندلر - ص ۴۸ ببعده).

### رحیمی

از قبایل بادیه نشین قشقائی (ترك) فارس ولارستان ۱۸۷۵ (کرزن ۱۸۹۲

جلد ۲ - ص ۱۱۲-۱۱۴).

### رند

رند مکران که گفته میشود بلوچی خالص هستند تنها اعراب قبیله کترن

هستند (دیکر ص ۵۰۷).

### ریگی

در بلوچستان قبایل بادیه نشین پراکنده زندگی میکنند که ریگی نامیده

میشوند و مهمترین آنها قبیله محمدانی است . از نژاد عرب هستند (مکمون ص ۷).

## فهرست قبائل و گروه‌های نژادی - ۲۶۵

### ززا

قبیله کرد آذربایجانی در کوهستان شمال غربی اشنو سنی - هزار خانوار  
(کرزن ۱۸۹۲ جلد ۱ - ص ۵۵۵-۵۵۶).

### زعفرانلو

کردهای زعفرانلو ساکنین عمده قوچان در خراسان (کرزن ۱۸۹۲ - جلد  
۱ - ص ۱۹۱) شاه عباس آنها را از ایالات شمال غرب خراسان انتقال داد (جلد  
۱ - ص ۹۷ - ۹۸).

### زگرتو

در دوره آسوریها ملت کوچکی وجود داشت که سامیها آنها را زگرتو  
میخواندند در پارسوا و در ناحیه شمالی زاگرس زندگی میکردند (لارنس -  
یادداشت به هرودوت I - ۱۲۵).

### زند

۱ - قبیله کرد زبان زمانی تحت نظر کریم خان - اکنون کاملاً از بین  
رفته‌اند (شویرل - ص ۲۰).  
۲ - زندها لر هستند. هنوز ۱۵۰ تا ۲۰۰ خانوار نزدیک قم و همدان و  
ملایر و بختیاری زندگی میکنند (هتوم - شیندلر ص ۴۸ بعد).

### زنگنه

قبیله کرد کرمانشاه - شیعه - ۱۵۰۰ خانوار (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۱ -  
ص ۵۵۷).

### زنگیون

از قبایل ده نشین قشقایی (ترك) فارس و لارستان ۱۸۹۰ (کرزن ۱۸۹۲  
- جلد ۲ - ص ۱۱۲ - ۱۱۴).

## ۷۶۶ - مردم شناسی ایران

### سارته‌ها

- ۱ - قسمت عمده جمعیت ترکستان بین سیحون و جیحون متشکل از سارته‌های اسکان یافته که نژادی هستند مخلوط از ازبک قرغیز و تاجیک و عناصر دیگر (هدون ص ۱۰۳ - ۱۰۴).
- ۲ سارته‌های ترکستان روسیه از لحاظ خصوصیات جسمانی شبیه تاجیکها هستند (دنیگر ص ۵۰۵ - ۵۰۶).

### سارق

طایفه از ترکمنها (بکستون ۱۹۲۹ - ص ۶۲۳).

### ساسانیان

سلسله ساسانی از پارس آمدند (ورل - ص ۱۲۵ - ۱۲۶).

### ساسپیریان

ساکن کشوری شمال مادیه (هرودوت IV - ۳۷).

### سائور

طایفه از ترکمنها (بکستون ۱۹۲۹ - ص ۶۲۳).

### سامی‌ها

- ۱ - جمجمه بختیارپا شبیه جمجمه هائیت که او تهرانی می‌نامد : هر دو در ارتفاع سر نفوذ سامی نشان میدهند (دوخائیکف - ص ۱۰۹) . اندازه‌های سر : شاخص سر ۷۸/۳ (ص ۵۹ و ۶۳) ، سامیهای هند شاخص سر ۷۳/۹ . اندازه‌ها (ص ۷۰) . وقتی جمجمه سامی با جمجمه ایرانی مقایسه میشود بنظر میرسد از حیث ظرفیت مغز کمتر و از عرض و طول کوچکتر ولی در ارتفاع بلند تر است (ص ۷۱) . ایران مدت ۲۰۰ سال تحت تسلط یونانی و سامی بود ؛ و ۵۰۰ سال تحت تسلط یونانی و سامی و آرامائی و تورانی . و تحت تسلط سامی ۴۰۰ سال (ص ۷۴ - ۷۶) . در سمت مغرب شیراز و اصفهان نفوذ سامی قویتر است و این مطلب

## فهرست قبائل و گروه‌های نژادی - ۷۶۷

در شکل سر بخوبی آشکار میشود ( ص ۱۰۷ - ۱۰۸ ). نسطوریها و کلدانیان نزدیک ارومیه و سلماس و سرچشمه رود زاب سامی هستند ( ص ۱۱۰ ) شکل جمجمه نسطوریها سامی است بخصوص در میان اقوام دز و جلو و بلز و تخومه و طیارای که همه آسوری هستند. چشم سامی فرو رفته است ( ص ۱۱۱-۱۱۲ ) . ارمنی‌ها با سامیها مخلوط شده‌اند ( ص ۱۱۲ ). اندازه جمجمه‌های سامی ( ص ۱۳۱-۱۳۹ ).

۲ - سامیهای ایران عبارتند از اعراب و سیدها و یهودیها ( هوسی - ص ۱۰۳ ). نواحی کوهستانی بین فارسها و لر هاجل اختلاط آریانیها و تورانیان و سامیها است ( ص ۱۲۲ )

۳ - بعد از دوره ماقبل تاریخ آریانیهای ایران با نژادهای سامی مانند آسوریان و اعراب و یهودیها مخلوط شدند ( دایلو - متون ۱۰ - ۱۹ - ۲۲-۲۸ ).

۴ - بعضی از حبشیان آسیائی هوی صاف داشته و سامی بودند ( برینتون - ص ۳ ) . در دوره‌های ماقبل تاریخ و دوره اولیه تاریخ نژادهای قفقازی و آریائی و سامی سه شعبه بزرگ نژاد سفید در مغرب آسیا محسوب میشدند ( ص ۱۱-۱۷ ). سلسله جبال آمانوس در مغرب و ماسیوش در شمال و زاگرس در مشرق حدود تاثیر نژادی سامی است ( ص ۳۲ ).

۵ - سامیها از سه شعب نژادی ایرانی هستند . در سمت جنوب غربی در اثر تماس با اعراب جمعیت تیره رنگتر بوجود آمده است ( ریپلی ۴۴۲ - ۴۵۲ ) .

۶ - در ایلام اول هجوم سومرینها و سپس سامیها واقع شد ( سایکس ۱۹۲۱ - جلد ۱ - ص ۵۰ - ۵۳ ) و سامیها بردشت و آریانیها بر فلات ایران تسلط یافتند . تاریخ دنیای قدیم مبارزه بین نژادهای سامی جنوب و نژادهای آریائی شمال است که بالاخره به موفقیت کامل نژادهای شمالی تمام شد ( جلد ۱ - ص ۹۵-۹۹ ).

۷ - بندهش معتقد است که اعراب و ایرانیها و سامیها و آریانیها در مغرب آسیا جلد مشترک دارند ( مدی ۱۹۱۹ - ص ۷۳۳ ).

۸ - مهاجرتهای سامی (عرب) نوع ایرانی را تغییر داده است ( هدون ص ۱۰۲ - ۱۰۳ ).

۹ - ممکن است دلیل وجهتی برای بحث در باره فامیل سامی زبانها وجود

داشته باشد ولی چنین بحثی در باره نژاد سامی نمیتوان داشت . نژاد حقیقی سامی دارای موی سیاه ، براق و مجعد و اقبوه ، حمیمه از نوع سردراز، بینی برجسته و تا حدی عقابی، لب کلفت، پوست سفید تیره، چشمان سیاه میباشد (سایکس ص ۱۰۷-۱۰۸ و ۱۲۰-۱۲۱).

۱۰ - علمای علم مردم شناسی جسمانی یقین دارند که بین النهرین (عراق) مرز شرقی نوع افراد سامی است و سامی هائی که بعنوان مردم تیره رنگ مدیترانه می شناسیم که از عربستان به بین النهرین حمله کردند در ازمنه اولیه ساکن ایران نبودند . بنابراین وقتی نویسنده فصل دهم سفر آفرینش ایلام را پسر شم یعنی يك سامی میخواند این مطلب از جنبه جغرافیائی و فرهنگی درست است و نه از جنبه مردم شناسی (کامرون - ص ۱۵ - ۱۹) .

#### سربندی

یکی از قبایل عمده بلوچی در سیستان. تیمور آنها را بهمدان منتقل کرد و نادر شاه آنها را مراجعت داد (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۱ - ص ۲۲۸).

#### سعیدی

زیر عنوان سامرا ذکر شده است (هوسی ص ۱۰۳).

#### سکا

سکاها آریائیهائی هستند که در حدود ۱۳۰۰ قبل از میلاد از آسیای مرکزی بایران مهاجرت کرده پایتخت خود را کرکوه قرار دادند . نام آنها در سیستان فعلی باقی مانده است . از آراکسیا از راه تنگه بولان وارد هندوستان شده و برای مدت کوتاهی امپراطوری خود را تا دهلی و بمبئی بسط دادند (هرتسفلد ۱۹۳۵ - ص ۶ - ۱۰) .

#### سگریان

قبیله بادیه نشین پارس (هرودوت I - ۱۲۵) تنها کسانی بودند که بدربار هخامنشی خراج میدادند . کلمه آساگارتها فارسی باستان ممکن است محل سکونت

## فهرست قبائل و گروه‌های نژادی - ۷۶۹

قبیله در کوهستان شمال زاگرس باشد ولی بعضی از آنها نزدیکتر به مرکز ایران زندگی میکردند (لارنس - یادداشت به هرودوت I-۱۲۵).

### سلجوقیها

- ۱ - شعبه‌ای از ترکان غز که از آنها خود را مشخص نگاه میداشتند (سایکس ۱۹۲۱ - جلد ۳ - ص ۲۸).
- ۲ - سلجوقها در قرن یازدهم به ایران حمله کردند. (ویلسون ۱۹۳۲ - ص ۶۹ - ۷۰).

### سلیمان

از قبایل عرب خوزستان که تعداد افراد ذکور آن متجاوز از ۵۰۰ نفر است (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۲ ص ۳۲۰-۳۲۲).

### سنجایی

قبیله کرد ساکن ماهیدشت مغرب کرمانشاه - علی‌اللهی ۱۵۰۰ خانوار (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۱ - ص ۵۵۲).

### سودان

از قبایل عرب خوزستان که تعداد افراد ذکور آن متجاوز از ۵۰۰ نفر است (کرزن ۱۸۹۲ جلد ۲ - ص ۳۲۰-۳۲۲).

### سوری

طبق نظر بلیویکی از قبایل اصلی چهار ایملک (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۱ - ص ۱۹۸).

### سوریه‌ای

- ۱ - بندونیه‌ای بومیانی هستند که با سوریه‌ای‌ها مخلوط شده‌اند (هوسی ص ۱۲۲).
- ۲ - شاملوها سوریه‌ای هستند (هتوم - شیندلر ص ۴۸ بیعد).

### سومریها

- ۱ - سومریها قبل از سامیها در بابل بودند ولی قبل از آنها نژاد ایلامی اولیه در آنجا زندگی می کرد که سفال ساخت آنها شبیه سفال بدوی شوش بود ( سایکس ۱۹۲۱ - جلد ۱ - ص ۶۱-۶۲).
- ۲ - از آنجائیکه سومریها از شمال شرقی بیابان آمدند و این مطلب از نوع اشکالی که برای نشان دادن کوه و دشت می کشیدند پیداست برای یافتن آثار ارتباط زبانی که ممکن است تا کنون باقی مانده باشد بدانسو باید جستجو کرد اصل و مبداء تمدن و فرهنگ کلدانیان راورهون این قوم قبل از سامی باید دانست (سایکس ص - ۹۵).
- ۳ - اجداد سومریها ممکن است مخلوطی از قبایل سفید و زرد بوده باشند (ورل ص ۴۴).
- ۴ - سومریها از نژاد مغولند و احتمال می رود بقایای آنان امروز در قسمتی از ترکیه و افغانستان یافت شود (علیشاه ص ۱۵۳).
- ۵ - ممکن است مردم سردراز ایران قدیم سومری یا مربوط بسومری بوده اند گفته شده است می توان هنوز اثر ورده صورت نوع سومری را در میان مردم افغانستان و بلوچستان و حتی دره سند یافت ( کامرون ص ۱۵-۱۹).

### سونگورو

قبیله ده نشین کرد در شمال کرمانشاه . تعداد کولیهای و سونگورو ۲۵۰۰ خانوار است ( کرزن ۱۸۹۲ جلد ۱ - ص ۵۵۷).

### سیاهپوست

- ۱ - بنا بگفته کاترفاژ و حامی نوع سیاهپوست در نقوش برجسته آسوری نماینده عنصر بدوی شوش است که شاید ساکنین آن مخلوطی از کوچیت ها و سیاهپوستها بودند . بینی اسبته یهن - گونه برجسته - لب کلفت ( هوسی - ص ۱۲۲ ) . میانگین شاخص سرسیاهپوست ، ایرانی و پارسی تقریباً مساوی با شاخص سر شوشی است ( ۷۸٫۳۵ ) - سیاهپوستان قد کوتاه از نوع سر کوتاه با شاخص سر در حدود ۸۰ می باشند . در شوش يك نژاد مشخصی است که مخلوط است از

## فهرست قبائل و سرودهای نژادی - ۷۷۱

تورانی و ایرانی و سیاهپوست ( ص ۱۳۶-۱۳۷ ) شوش سابقاً جمعیت سیاهپوستی داشت که اجداد سیاهپوستان هند هستند ( ص ۱۴۳ ).

۲ - در بلوچستان در اثر ورود بردگان سیاه از مسقط و زنگبار اختلاط قابل ملاحظه افریقائی وجود دارد . بعضی صورت ها کاملاً از نوع سیاهپوست است . ( کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۲ - ص ۲۵۸-۲۵۹ ).

۳ - شوشیها سیاهپوست دورگه هستند . بعضی از قبایل بادیه نشین ترك در جنوب ایران با سیاهپوستان مخلوط شده و بعضی از صفات آنها را اخذ کرده اند . بینی پهن صاف و کوتاه پوست سیاه و قد کوتاه خود را سیاه میخوانند . قبایل ده نشین مرکز ایران با عناصر سیاهپوست جنوب مخلوط شده اند ( دانیلوستون ۱۹-۱۰-۲۶-۲۸ ).

۴ - نمونه افراد سیاهپوست که بر ایشیه و آثار تاریخی شوش دیده میشود ممکن است تصویر بردگان و اسرا باشد و این امر وجود صفات نژاد سیاهپوست را در میان شوشیها بیان می کند ( برینتون ص ۲ ) . حبشی های آسیائی از نژاد سیاهپوست نبودند . موی صاف داشتند بعضی از سامیها بورند ( ص - ۳ ).

۵ - دیولافوا از وجود مجموعه افراد نژاد سیاهپوست در آثار پارتهها صحبت می کند . ساتراپی داریوش یعنی بلوچستان شامل حبشی های آسیا با موی صاف بود ( سایکس ۱۹۰۲ - ص ۳۴۲ - ۳۴۳ ).

۶ - دیولافوا و دومرگان هر دو معتقدند که دشت شوش از زمان بسیار قدیم محل سکونت سیاهپوستان کوتاه قد بوده که شاید ساکنین اصلی آنها بودند در نقوش برجسته قدیم تصویر سیاهپوستان کوتاه قد دیده می شود . در بشاجرا و سرحد در بلوچستان افراد سیاه چهره دیده میشود . شاید ساکنین اول آن سیاهپوست بود و میان آناریکوها یا غیر آریائی های یونان باشند که در سراسر ساحل شمالی خلیج فارس تا هندوستان زندگی می کردند . ولی در نواحی کوهستانی شمال و مشرق ایلام اثر نژاد سیاهپوست وجود ندارد بنا بر این چنانکه استرابو و هرودوت گفته اند در شوش و ایلام دو نوع نژادی وجود داشته است ( سایکس ۱۹۲۱ - جلد ۱ - ص ۵۰-۵۳ ).

۷ - نژاد آسوری مخلوط با سیاهپوست در جنوب بلوچستان یافت می شود . در جنوب غربی بلوچها با سیاهپوستها مخلوط شده اند . مکرانیها مخلوطی از نژاد

هند و افغانی و آموری و سیاهپوستند (دبکر ص ۵۰۵-۵۰۸).

۸- اگرچه غلامان سیاه افریقائی بتعداد زیاد بایران آورده نشدند بین کرمانشاه و کرمان هزارها فامیل هستند که جد آنها کاکاسیاه بوده . اینها در اول برده و بعداً مستخدمین معتمد رؤسای قبایل بودند . اثر خود را بر جمعیت خلیج باقی گذاشته اند اگرچه تعداد بردگان زن یا کنیز خیلی کم بود (ویلسون ۱۹۳۲ - ص ۳۳-۳۴).  
۹ - شواهد و مدارکی در دست است که نشان میدهد زمانی جمعیتی از نژاد سیاهپوست اولیه از هند در امتداد سواحل خلیج فارس وجود داشته است . تصویر اینگونه افراد در نقوش برجسته یکی از شاهان آموری در قرن هفتم قبل از میلاد دیده میشود . نویسندگان یونان از حبشی ها در جنوب شرقی مملکت صحبت می کنند اولاد آنان در عصر حاضر پوست مسی موی صاف و جمجمه مدور دارند ولی هرگز عنصر بزرگ یا عمده ای در جمعیت بشمار نیامدند ( کامرون - ص ۱۵-۱۹).

### سیستانی

ساکنین عمده عصر حاضر در سیستان در بین قبایل دیگر وضعی شبیه بردگان دارند ( کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۱ - ص ۲۲۸).

### شاملو

یکی از قبایل قزلباش ترك - اکنون قسمتی از شاهسونها . قسمتی قبیله جدا - گانه بنام بهارلو (هتوم - شیندلر ص ۴۸ ببعد ).

### شاهدلو

از قبایل کرد خراسان که در بجنورد مستقر هستند ( کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۱ - ص ۱۹۱) شاه عباس آنها را از ایالات شمال غرب بکوهستانهای خراسان انتقال داد (جلد ۱ ص ۹۲-۹۸).

### شاهرکی

یکی از قبایل عمده بلوچی در سیستان ایران ( کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۱ - ص ۲۲۸).

## فهرست قبائل و گروه‌های نژادی - ۷۳

### شاهسون

- ۱- شاهسون‌ها یکی از قبایل مهم و بزرگ ترك در اردبیل هستند (کرزن ۱۸۹۲ جلد ۲-ص ۲۷۰).
- ۲- از قبایل بادیه نشین ایران. در قرن هفتم شاه عباس اول این قبیله را برای شکستن قدرت قبایل قزلباش تشکیل داد. معنی آن یعنی دوستداران شاه. شامل قسمتی از شاملوها میشود. در ۱۸۹۶ اینانلوهاعمده ترین شعبه شاهسون بودند (هتوم- شیندلر-ص ۴۸ بعد).

### شرافه

- از قبایل عرب خوزستان که تعداد افراد ذکور آن متجاوز از ۵۰۰ نفر است. (کرزن ۱۸۹۲- جلد ۲ ص ۳۲۰-۳۲۲).

### شریفات

- یا شریفت قبیله عرب در خوزستان که افراد ذکور آن از ۵۰۰ نفر متجاوز است (کرزن ۱۸۹۲- جلد ۲ ص ۳۲۰-۳۲۲).

### شش بلوکی

- ۱- قبیله بادیه نشین قشقایی (ترك) انیس ولارستان ۱۸۷۵ و ۱۸۹۰ (کرزن ۱۸۹۲ جلد ۲ ص ۱۱۲-۱۱۴).
- ۲- یکی از طوایف عمده قشقایی (سایکس ۱۹۲۱- جلد ۲ ص ۴۷۷-۴۷۸).

### شکاک

- کرد آذربایجانی مسیحی ترك ونیمی ایرانی - سنی از فرقه شافعی تعداد ۱۵۰۰ خانوار (کرزن ۱۸۹۲ جلد ۱-ص ۵۵۵-۵۵۷).

### شهشیری

- قبیله بادیه نشین کرد نزدیک مرز قشلاق آنها در خاک ترکیه است. ۴۰۰

خانوار (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۱ ص ۵۵۵-۵۵۷).

### شوشی

۱- قوام آریائی و سیاهپوست ایران - طبق نظر کاترفاژ و حامی نوع سیاه پوست که در نفوش آسوری دیده میشود نماینده عناصر اولیه سوزیانا است که ساکنین آن شاید مخلوطی از کوچیت و سیاهپوست باشند . بینی نسبتاً صاف گونه برجسته ، لب کلفت. ممکن است باحبشی مکران ولارستان که هامیلتون اسمیت ثبت کرده ارتباط وجود داشته باشد . آیا اینها همان مردمی هستند که نوع اولیه بودای سیاهپوست هند را آوردند (هوسی ص ۱۲۶) شوشیهای جدید از نوعهای دیگر ایرانی مشخص هستند (ص ۱۲۷) . شوشیها کوتاهترین و عریضترین بینی را در ایران دارند . شاخص بینی ۸۰ در شوشی يك نژاد مشخصی که از اختلاف تورائی و ایرانی و سیاهپوست بوجود آمده که از آنها یکی از این سه خصوصیت آشکار میشود ( ۱۳۶-۱۳۷ ) . از میان ۱۱ فرد ۵ نفر خصوصیات ایرانی و ۵ نفر خصوصیات سیاهپوست دارند و خصوصیات و نفوذ تورائی فقط بوسیله يك فرد خیلی سر کوتاه نشان داده میشود . اندازهها (ص ۱۳۷-۱۳۸) . شوشیها از خلیج فارس تا پای سلسله جبال زندگی میکنند و مرکز آنها دزفول است ( ص ۱۴۳) .

۲- سوزیها که سیاهپوستان دور که هستند در ناحیه شمال غربی شیراز زندگی میکنند. قد ۱۶۳٫۳ (دانیلو).

۳ - تصاویر افراد نژاد دراویدی بر آثارشوش شاید تصویر برآگان باشد و همین امراثر و خصوصیات سیاهپوستی شوشیهای جدید را بیان می کند ( برینتون ص ۲) .

۴ - سوزیها سومین نوع فرعی ایرانی هستند . اثر خون سیاهپوست در آنها مشهود است : بینی بازویهن و لب کلفت - موی مشکي و چشم سیاه . اولین اثر جمعیت بومی تحت نفوذ هندوها ( ریپلی-ص ۴۴۲-۴۵۲) .

۵ - طبق نظر دیولافوا و مرگان دشت شوشی در زمان قدیم بوسیله سیاه پوستان اشغال شده بود . ممکن است اینها ساکنین اصلی دشت خوزستان بودند (سایکس ۱۹۲۱- جلد ۱ ص ۵۰-۵۳) .

۶- شوش ( سوزیانا ) شامل اثر مردمان تیسره پوست است که از روی آثار

## فهرست قبائل و گروههای نژادی - ۷۷۵

تاریخی نژاد قبل از درآویدی یا شاید نژاد اولوتریکوس می باشد (هدون ص ۱۰۲ - ۱۰۳) . شوشی ها در گروه ایران و مدیترانه محسوب می شوند و دارای بینی خیلی پهن می باشند که ممکن است در اثر نفوذ نژاد بیگانه باشد (ص ۸۶).

### شیبانی

۱- از قبایل خمه بادیه نشین (عرب) فارس و لارستان ۱۸۹۰ (کرزن ۱۸۹۲- جلد ۲ ص ۱۱۲-۱۱۴) .  
۲- شعبه ای از قبیله عرب خمه . در اصل از نجد و عمان مهاجرت کردند (سایکس ۱۹۲۱- جلد ۲ ص ۴۷۹) .

### شیخ اسمعیل

قبیله بادیه نشین کرد در اردلان نزدیک اسفندآباد که زمستانها بنخاک ترکیه میروند ۳۰۰۰ خانوار (کرزن ۱۸۹۲- جلد ۱ ص ۵۵۵-۵۵۷) .

### شیری

رجوع شود به اوردشیری.

### صفری

از قبایل بادیه نشین خمه (عرب) فارس و لارستان ۱۸۹۰ (کرزن ۱۸۹۲- جلد ۲- ص ۱۱۲-۱۱۴) .

### صفی خانی

۱- یاصفاخانی . قبیله بادیه نشین قشقایی (ترک) فارس و لارستان ۱۸۷۵ و ۱۸۹۰ (کرزن ۱۸۹۲- جلد ۲- ص ۱۱۲-۱۱۴) .  
۲- یکی از قبایل عمده قشقایی (سایکس ۱۹۲۱- جلد ۲- ص ۴۷۷-۴۷۸) .

### صوری

از قبایل عرب خوزستان که تعداد افراد مذکور آنها متجاوز از ۵۰۰ نفر

است (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۲ - ص ۳۲۰ - ۳۲۲).

### طائی

تاجیک شکل فارسی وسط کلمه آرامائی طائپائی یا قبیله عرب طائی میباشد .  
زمانی ایرانیان قبیله عرب طائی را نمابنده همه دنیای عرب میدانستند و نام آنها  
بهمه اعراب اطلاق میشد (حسن ص ۷۹).

### طالش

- ۱ - در ناحیه بحر خزر زانگی میکنند و بیک لهجه فارسی صحبت میکنند  
(دایلو ستون ۱۰ - ۱۹ - ۲۶ - ۲۸).
- ۲ - طالش نام بعضی از عجمی‌ها در ساحل بحر خزر است (دیگر ص  
۵۰۵ - ۵۰۶).
- ۳ - در قفقاز ۹۱ هزار طالش است و بزبان هندو ایرانی تکلم میکنند  
(باچماکف ص ۲۱) .

### عجمی

- ۱ - زیر عنوان مغول - آریائی آمده است. کبرها بطور کلی از تاجیک و  
عجمی متشکل هستند (هوسی ص - ۱۰۳) . از قم تا خطی بین اصفهان و آباده  
عراق عجم نامیده میشود که مسکن جمعیت ترکمن و آریائیهای مادی و پارسی  
است که خود را عجمی مینامند (ص - ۱۱۰ ببعد) شامل قسمت عمده جمعیت ایران  
است و این گروه از تهران تا ده‌بید و از لرستان تا خراسان بسط دارد و شامل تهران  
و اصفهان و قم و قمشه (شهرضا) میگردد. شاخص سر ۸۴/۶۱ و ۸۱/۵۴ (تهران).  
در قم (ص - ۱۱۵) تعدادی از ساکنین استخوان پیشانی‌شان از جهت افقی فرورفتگی  
داشت. خصوصیات جسمانی آنها ظریف است. موی آنها براق و انبوه‌مانند موی  
تورانیان است. موی سر را میزنند و صورت خود را بجز سبیل میتراشند. بینی کوچک و  
ظریف است. سر آنها درازتر از سر ارمنی‌ها و استخوان گونه کوچکتر است (ص - ۱۲۰)  
شاخص بینی ۶۶/۷ (ص - ۱۳۳).
- ۲ - در واقع قبیله عجمی وجود ندارد. عجم به عربی یعنی بیگانه و اعراب

## فهرست قبائل و سرودهای نژادی - ۲۲۲

همه افراد غیر عرب را عجم می‌خواندند - عجمی یعنی ایرانی یا جمعیت شهر نشین ایران. قد ۱۶۱/۵ (دایلو).

۳ - «عجمی» مخلوطی از ایرانیان خالص یا نژاد ترکمن یا تاتار میباشد (ریپلی - ص ۴۴۲ - ۴۵۲).

۴ - عجمی در گروه ایرانی و مدیترانه بشمار آورده شده است (هدون - ص ۸۶).

۵ - در مغرب‌خطی از استرآباد به یزد و کرمان بین تهران و اصفهان عجمی - ها مسکنی دارند. عجمی‌های کناره دریای خزر طالش و مازندرانی خوانده میشوند. عجمی‌ها که از طبقه سر دراز هستند و قد متوسط دارند از نوع نژادی آسوری یا هند و افغانی میباشند (دیکر - ص ۵۰۵ - ۵۰۸).

### عرب

۱ - بعضی قبایل عرب در کردستان (ملکم - جلد ۲ - ص ۲۰۷ - ۲۱۰) و در خراسان ساکنند (ص ۲۱۶). قبایل عرب ایران خصایص اصلی عربی خود را حفظ کرده‌اند (جلد ۲ ص ۶۱۷) اعراب در بلخ و بخارا نیز هستند ولی تحت حکومت افغانها و تاتارها ضعیف شده‌اند (جلد ۲ - ص ۲۲۷).

۲ - زبان عربی (در ایران) - زبان قبایل نژاد عرب که تعداد آنها هشت فامیل و ۹۳۵۰۰ نفر است (شوهرل - ص ۲۰).

۳ - سر کوه آسیائی هستند. همچنین فک صاف دارند (رتزیوس - ص ۱۱۲).

۴ - اندازه سر اعراب شمال آفریقائی با مقایسه با یهودیها و سامی‌ها : شاخص سر ۷۶/۰ و ۷۵/۹ از پروتربی (دوخائیکف ص ۷۰). همان اندازه‌ها از جمجمه‌ها توسط دوخائیکف. شاخص سر ۷۱/۷ - ۸۳/۱ - ۷۲/۹ - ۸۰/۱ - ۷۲/۶ (ص ۷۱). تعداد تاجیکها زیادتیر از آنستکه بتوان آنها را اولاد جنگجویان عرب دانست (ص ۸۷ - ۸۸). اندازه‌های جمجمه عرب آفریقائی شمالی (ص ۱۳۱).

۵ - اعراب تحت سامی‌ها بشمار آمده‌اند (هوسی ص ۱۰۳). بعضی ایلات که بنظر میرسد از نژاد عرب باشند و اکنون با فارسیها مخلوط شده‌اند عرب میباشند

(ص ۱۱۹).

۶ - بعضی خانواده‌های قم و کاشان خود را عرب میدانند ولی اکنون خیلی

کم خون سامی دارند (هنوم - شیندلر ص - ۴۸).

۷ - بموجب نظر هنوم - شیندلر اعراب شامل ۵۲۰۲۰ خانواده در ایران

هستند و طبق نظر زولوتارف تعداد اعراب در ایران ۳۰۰ هزار نفر است (کرزن

۱۷۹۲ - جلد ۲ - ص ۴۹۲ - ۴۹۴) اکثریت افراد عرب در ایران اسکان یافته‌اند

(جلد ۲ - ص ۲۶۹ - ۲۷۱) . دشتهای ساحلی (خوزستان) جمعیت عرب دارد

که تاحدی با ایرانیها مخلوط شده‌اند . جمعیت عرب ایران اول با حمله اعراب در

سال ۶۴۱ میلادی آمدند و بعداً بوسیله مهاجرت از اطراف دجله و خلیج فارس و

افرادی که توسط شاه اسمعیل از نجد آورده شدند افزایش یافت . مهمترین همه در

این ناحیه اعراب کعب هستند که در اصل هفتاد و دو قبیله بودند . طبق نظر

رابرتسون بیست و یک قبیله در آن ایالت هست که همه کعب نیستند و تعداد افراد

ذکور آنها از ۵۰۰ بیابا است. تعداد قبایل کوچکتر زیاد است در مرزهای شرقی

قبایل منطق حویزه و بنی‌لام هستند که در خاک ترکیه (عراق فعلی) قرار دارند .

قبایل عرب و نیمه عرب خوزستان بین ۱۷۰ هزار و ۲۰۰ هزار نفر تخمین

زده شده‌اند (جلد ۲ - ص ۳۲۰ - ۳۲۲) . قبایل مهاجر فارس و لارستان لر ترک

و عرب هستند . قبایل خمسه عرب هستند و تعداد آنها از قبایل ترک کمتر است

(جلد ۲ - ص ۱۱۲ - ۱۱۴) بلوچها ادعا میکنند که از نژاد عرب میباشند

(جلد ۲ - ص ۲۵۸ - ۲۵۹) . طبق نوشته دائرةالمعارف بریتانیا قبل از ۱۸۹۲

تعداد اعراب خوزستان صد هزار نفر بود (جلد ۱ - ص ۱۷۹) . معدودی فامیل

عرب در کلات نادری ساکنند (جلد ۱ - ص ۱۳۹) .

۸ - بعد از ازمینه ماقبل تاریخ آریانه‌های ایران با اعراب مخلوط شدند .

اعراب همه کسانی که عرب نبودند عجمی نامیدند (دانیلو - ستون ۹-۱۰ -

۲۶-۲۸) . از لحاظ اندازه دست و پا اعراب شبیه ساکنین ایرانند (ستون ۱۳۵).

۹ - کردها به اعراب سوریه شباهت دارند . نوع نژادی سامی در ایران

در امتداد خط تماس با اعراب پیدا میشود و در نتیجه مردم سیاه چهره‌تر بوجود

آمده است (ریپلی ص - ۴۴۲ - ۴۵۲).

۱۰ - اعراب که در زمان حمله اعراب بایران آمدند یکی از چهار طبقه

## فهرست قبائل و گروههای نژادی - ۷۷۹

ایران را تشکیل می‌دهند (فین ص ۳۲ - ۳۳).

۱۱ - تیموری‌ها از نژاد عرب‌بند. در خراسان هم عرب یافت میشود (سایکس ۱۹۲۱ - جلد ۲ - ص ۳۹۲) اعراب که نیمی از قبایل خمسه را تشکیل می‌دهند به شیبانی و جباره تقسیم میشوند. از نجد و عمان مهاجرت کردند (سایکس - جلد ۲ - ص ۴۷۹).

۱۲ - طبق نظر مسعودی بعضی از اعراب نسب خود را از کهکشان میداند و بعضی رابطه خود را با ایران تأیید می‌کنند. بندهش پهلوی نظر دوم را تأیید می‌نماید. تازیها با اعراب از اولاد تاز هستند یعنی عرب و ایرانی در مغرب آسیا از يك شاخه می‌باشند (مدی ۱۹۱۹ ص ۲۳۳). فردوسی از اعراب بنام تازی گفتگو می‌کند. عرب‌ها ملاحان خوب بودند (ص ۷۳۷ و ۷۳۸). اسکندر پس از غلبه بر ایران اعراب را در ارتش خود راه داد (ص ۷۵۵) در اوایل عصر مسیحیت اعراب یمن کشور خود را ترک گفته و بسوی شمال رفتند (ص ۷۳۹). تازیکها که یکی از دو گروههای نژادی عمده ایرانند از اولاد اعراب زردشتی شده می‌باشند. فن‌لوشان آنها را اولاد ایرانیان قدیم می‌داند. بعضی از تازیکها با مذهب زردشتی ارتباط پیدا کردند و این مطلب شاهد تماس آنها با ایرانیان است (ص ۷۴۷ - ۷۴۸).

۱۳ - اعراب گروهی هستند که بدون اجازه با ایران راه یافتند. حملات سامی‌ها (عرب) نوع نژادی ایران را تغییر داده است (هدون - ص ۱۰۲ - ۱۰۳).  
۱۴ - نژاد آسوری در جنوب ایران با عناصر عرب مخلوط شده است (دنیگر ص - ۵۰۵ - ۵۰۶). بلوچها نیز در جنوب با اعراب مخلوط شده‌اند. قبیله رند مکران که گفته می‌شود بلوچ خالص هستند از اعراب کثرتان می‌باشند (ص - ۵۰۸).

۱۵ - اعراب که بصورت بادیه نشین زندگی می‌کنند خالصترین نوع در ایران هستند و شاید از اولاد اعراب محلی مستقر در ایران باشند. خصوصیات جسمانی آنها دیگر عرب نیست و با ایرانیان اشتباه میشوند (ایوانو ص - ۱۵۵).  
۱۶ - چینی‌ها اعراب را تازی یا ناشی (که همان تازی یا تاجیک فارسی باشد) می‌نامند بنابراین ایرانیها اعراب را به چینی‌ها شناساندند. زمانی اعراب مسلمان طائی از طرف ایرانیان نمایندده همه عربها محسوب می‌شدند و بهمین جهت این نام بهمه

اعراب اطلاق گردید (حسن ص - ۷۹).

۱۷ - در بین دروزها عناصر عرب ایرانی شده وجود دارد (هیثی ص -

۲۲-۲۳).

۱۸ - احتمال می رود که ریگی های بلوچستان از نژاد عرب باشند . کلیه

بلوچستان جنوبی و سیستان از زمانهای خیلی قدیم توسط اعراب اشغال شده بود و تا قرن دوازدهم تا دره سند پراکنده شدند. مردمان از نژاد عرب با درویدیهها و ایرانیها مخلوط شدند و بلوچ نامیده می شوند (مکمون ص-۷).

۱۹ - اولین چهار مهاجرت بزرگ بادیه نشینی از آن اعراب در قرن هفتم

میلادی است. احتمال می رود که اشغال جنوب فارس و خوزستان توسط قبایل عرب مستقلاً و بعد از حمله اصلی اعراب در قرن ششم صورت گرفته باشد . نفوذ اعراب و اشغال کوهستانهای جنوب غربی ایران بوسیله اعراب در قرن پانزدهم و بعد نسبتاً مسالمت آمیز بوده است ( ویلسون ۱۹۳۲ - ص ۶۹-۷۰) . بعضی از قبایل عمده لرستان و فارس از نژاد اعراب هستند . سلاطین سلسله صفوی ( که از نژاد ایرانی بودند) گاهی با زنان عرب ازدواج می کردند (ص ۳۳ - ۳۴) . فرهنگ و تمدن زردشتی با موفقیت در مقابل مهاجمین عرب در قرن هفتم مقاومت کرد زیرا سربازان عرب با زنان ایرانی ازدواج کردند و اولاد آنها دین مادر خود را اختیار می کردند (ص-۲۹-۳۰).

### عساکره

یکی از قبایل عرب خوزستان که تعداد افراد ذکور آنها ۵۰۰ نفر است

(کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۲ ص ۳۲۰ - ۳۲۲).

### عشقه باش

یکی از شعب فرعی قسمت سوم ایل قاجار در کنار شعبه رودخانه کرگان

(سایکس ۱۹۲۱ - جلد ۲ ص ۲۷۲).

### علا بیگلو

یکی از قبایل قشقایی (ترك) در فارس ولارستان - ۱۸۹۰ (کرزن ۱۸۹۲

فهرست قبائل و سر وههای نژادی - ۷۸۱

جلد ۲ - ص ۱۱۲-۱۱۴).

علاقوینی

یکی از قبایل بادیه نشین قشقائی (ترك) در فارس و لارستان ۱۸۹۰ و ۱۸۷۵ (گزین ۱۸۹۲ - جلد ۲ ص ۱۱۲ - ۱۱۴).

علی الهی

فن لوشان آنها را یکی از نمایندگان معاصر هیتی های باستانی بشمار میآورد (هیتی ص ۱۵).

علیقلی خانی

رجوع شود به علاقوینی.

عمارلو

اماللو نیز خوانده میشود. قبیله کرد که شاه عباس از ایالات شمال غربی بخراسان کوچ داد (گزین ۱۸۹۲ - جلد ۱ ص ۹۷-۹۸).

عمله ایلخانی

یکی از قبایل قشقائی (ترك) در فارس و لارستان (گزین ۱۸۹۲ - جلد ۲ ص ۱۱۲-۱۱۴).

عمله شاهی

یکی از قبایل بادیه نشین خمسه (عرب) فارس و لارستان ۱۸۷۵ (گزین ۱۸۹۲ - جلد ۲ ص ۱۱۲ - ۱۱۴).

عندار

طایفه ترك حقیقی در قر متعلق به قلیچ (بلیو ص ۱۰۰).

### غربتی

کولیهای فارس را گاهی غربتی می‌نامند (سایکس ۱۹۰۲ - ص ۳۴۴).

### غرشمال

۱- در خراسان به کولیه‌ها غرشمال می‌گویند که تحریفی است از غیرشمار (سایکس ۱۹۰۲ - ص ۳۴۴).

۲- غرشمال نام کولیهای خراسان (ایوانو - ص ۱۵۵).

### غز

سلجوقیان شعبه‌ای از ترکان غز بودند ولی خود را از آنها مشخص نگاه می‌داشتند (سایکس ۱۹۲۱ - جلد ۲ - ص ۲۸).

### غزیل

قبیله اسکان یافته ساکن کرمانشاه (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۱ - ص ۵۵۷).

### غلزائی

رجوع شود به خلجی.

### فارس

۱ - زیر نام آریانه‌های پارس صورت داده شده است (هوسی ص ۱۰۳) بینی عقابی دارند (ص ۱۱۵). بنظر میرسد که ایلات از نژاد عرب باشند ولی اکنون با فارسیها مخلوط شده‌اند (ص ۱۱۹).

۲ - فارسیهای اطراف تخت جمشید از نوع ایرانی خالص هستند. پوست سفید دارند باریک‌اندامند و موی سر وریش آنها انبوه و برنگ بلوطی است (ریپلی ص ۴۴۲ - ۴۵۲).

۳ - یکی از دو نوع ایرانی. فارسیهای اطراف تخت جمشید باریک و سر دراز و سفید پوستند و موی سر وریش آنها انبوه و برنگ بلوطی است. افراد موبور و آبی چشم در بین آنها بندرت یافت میشود اینها بطور عمده از نوردیک‌های اولیه

## فهرست قبائل و گروه‌های نژادی - ۷۸۳

هستند (هدون ص ۱۰۲ - ۱۰۳).

۴ - فارسیها بین اصفهان و خلیج فارس سکونت دارند (دبیر ص ۵۰۵ - ۵۰۶).

### فارسیمدان

۱ - یکی از قبایل بادیه نشین قشقائی (ترك) فارس و لارستان ۱۸۲۵ و ۱۸۹۰ (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۲ - ص ۱۱۲ - ۱۱۴).

۲ - یکی از قبایل عمده قشقائی (سایکس ۱۹۲۱ - جلد ۲ - ص ۴۷۷ - ۴۷۸)

### فیروزکوهی

یکی از چهار قبیله اصلی چهار ایملک گفته شده است از نژاد ایرانی هستند ولی دیگر در ایران پیدا نمیشوند. بلیومعتقد است که از شعب تیموری چهار ایملک (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۱ ص ۱۹۸).

### فیلی

۱ - قبایل متعدد فیلی قسمتی از فامیل لر زبان را تشکیل میدهند. در نواحی کوهستانی در ترکیه و ایران سکونت دارند (شوبرل ص ۲۰).

۲ - فیلی ها از عناصر لك و از شعب فرعی لر ها هستند (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۲ - ص ۲۶۹ - ۲۷۰) معنی کلمه فیلی یعنی یاغی. در سال ۱۸۳۶ والینسون تعداد فیلی‌های لر را ۵۶ هزار خانوار تخمین زده است. در ۱۸۴۳ لایارد آنها را ۴۹ هزار نفر ذکر کرد و سرشماری ۱۸۸۱ تعداد آنها ۲۱۰ هزار نفر معین کرد. نام فیلی که سابقاً بهمه لر کوچک اطلاق میشد محدود شده است به پشت کوه و فیلی‌های اصلی شامل قسمت عمده جمعیت ناحیه پشت کوه میباشد (جلد ۲ - ص ۲۷۳ - ۲۷۵).

### فیوج

کولیهای ایران خود را فیوج می‌نامند که گفته میشود کلمه عربی است

(سایکس ۱۹۰۲-ص ۳۴۴).

### قاجار

- ۱- یکی از قویترین قبایل ترك زبان . در مازندران (۲۸۰۰۰) و تهران و مرو خراسان و ایروان و گنجه سکونت دارند و تعداد آنها ۴۰۱۰۰۰ نفر است . شاه و اکثر رؤسا و افسران بزرگ باین طایفه تعلق دارند (شوهرل - ص ۲۰).
- ۲ - یکی از بزرگترین و معروفترین قبایل ترك در شمال غربی ایران ( کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۲ - ص ۲۷۰ ) بلوچها از ایرانیان که آنها را قاجار می نامند نفرت و انزجار دارند (جلد ۲ - ص ۲۵۸ - ۲۵۹) دائرةالمعارف بریتانیا قبل از ۱۸۹۲ تعداد افشارها و قاجارها را در خراسان صد هزار نفر ذکر میکند . تحت عنوان تاتارها طبقه بندی شده اند (جلد ۱ - ص ۱۷۹) قاجارها در ناحیه امترآباد مستقرند و نسب خود را از جافت پسر نوح میدانند . ۷۰۰ سال است که نام قبیله قاجار در تاریخ ذکر شده است . یکی از رؤسای آن قبیله بعنوان لایب یکی از اولاد چنگیزخان از ری تا سیحون حکومت داشت . میگویند تیمورلنگ آنها را بسوریه تبعید کرد ولی بعداً اجازه مراجعت به آنها داد . بعدها بسفویها کمک کرده و آنها را به تخت سلطنت نشاندند و در عوض قاجارها جزو قزلباشها درآمدند . طبق يك روايت نادر شاه اسمعیل از قاجار بوده است (جلد ۱ - ص ۳۹۲) .
- ۳- بعضی از بیاتها به قبیله قاجار ملحق شدند و شعبه فرعی شامبیاتلو را تشکیل دادند (هتوم - شیندلر - ص ۴۸) .
- ۴ - قاجارها از نژاد ترکند . مدتها در ارمنستان ساکن بودند و بوسیله تیمورلنگ بایران آورده شدند . یکی از قبائل قزلباش بودند که سلسله صفوی را حمایت کردند . شاه عباس ایل قاجار را بسه قسمت تقسیم کرد . يك قسمت در مرو و قسمت دوم در گرجستان استقرار داده شد و قسمت سوم که بدو شعبه بوخاری باش و اشاقباش تقسیم شد در کنار رود گرگان مستقر شدند (سایکس ۱۹۲۱ - جلد ۲ - ص ۲۷۷) .
- ۵ - ایلات ترکمنها هستند ولی در اثر ازدواج با دیگران انواع مختلط بسیار مانند قاجارها تشکیل داده اند (هدون ص ۱۰۲-۱۰۳) .

## فهرست قبائل و گروه‌های نژادی - ۷۸۵

### قبادهخانی

از قبایل بادیه‌نشین قشقائی (ترك) فارس و لارستان ۱۸۷۵- (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۲ ص ۱۱۲-۱۱۴).

### قبایل ترك

۱- لهجه‌های ترکی از قامیل زبان تورانی آسیای مرکزی است (کندر ص ۳۰-۵۱).

۲- قبایل ترك بندری با اقوام دیگر مخلوط شده‌اند که مشکل است آنها را در گروه مشخص جداگانه مردم شناسی قرار داد و بین شعب مختلف آنها اختلافات قابل ملاحظه دیده میشود. قبایل بادیه‌نشین ترك در جنوب ایران با عناصر میاهپوست مخلوط شده و خود را «سیاه» مینامند. یکی دیگر از قبایل ترك که که نام ترکی خلیج را حفظ کرده در نزدیکی تهران در مزلقان سکونت دارند. اغلب از نوع سردراز هستند و از بین رفتن سرکوتاهی دلیل اختلاط آنها با ایرانیان است. قبایل ده نشین مرکز ایران با عناصر ترك و منولی شمال مخلوط شده‌اند (دانیلوف- ستون ۱۰-۱۹ و ۲۶-۲۸).

۳- نژاد آسوری در ایران و ترکیه با عناصر ترکی مخلوط شده‌اند. در تاجیکها اختلاف با ترك دیده میشود (دنیگر ص ۵۰۵-۵۰۶).

### قره پاپک

از کردان آذربایجان- ده نشینان سلدوز و براندوز - شیعه - تعداد ۳۰۰۰ قامیل (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۱- ص ۵۵۵-۵۵۷).

### قره‌چای

از قبایل بادیه‌نشین قشقائی (ترك) فارس و لارستان ۱۸۷۵ (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۲- ص ۱۱۲-۱۱۴).

### قره‌چی

نامی که به گولیا در آذربایجان اطلاق میشود (سایکس ۱۹۰۲- ص ۳۴۴).

### قره گزلو

قبیله ترك همدان (كرزن ۱۸۹۲ - جلد ۲ ص ۲۷۰).

### قریش

بلوچها ادعا دارند که عرب و از قبیله قریشند. طبق نظر بلیو قبیله که با سامی مختلف کروش و کریش و گریش و گوریش نامیده میشوند و هنوز در کنار سند پخش هستند همان کروتی راجپوت شاهی - کروش یا کورش میباشد (كرزن ۱۸۹۲ - جلد ۲ - ص ۲۵۸-۲۵۹).

### قزلباش

۱ - تاجیکهای عصر حاضر ( ایرانیان اصیل) را ترکها قزلباش می خوانند (پریچارد - ص ۱۷۱).

۲ - قزلباش «قرمز سر» (بلیو ص ۱۰۰).

۳ - یکی از قبایل بادیه نشین ترك (ابری - ماکی - ص ۱۶).

۴ - قاجارها جزو قبایل قزلباش یا هفت قبیله سر سرخ بودند، آنها را از این جهت باین نام می خوانند که کلاه قرمز سر می گذاشتند (كرزن ۱۸۹۲ - جلد ۱ - ص ۳۹۲).

۵ - از سال ۱۵۰۰ تا قرن هفدهم ۳۲ قبیله قزلباش پستهای نظامی و دولتی را در دست داشتند. بعضی از آنها به شاهسونها پیوستند. مهمترین قبایل قزلباش که همه ترکند عبارتند از: استاجالو - شاملو - قاجار - افشار - ذوالقدر - اینانلو - تکه لو - بیات - خلیج (هتوم - شیندلر - ص ۴۸ پیوسته).

۶ - قاجارها یکی از قبایل قزلباشند. (سایکس ۱۹۲۱ - جلد ۲ ص ۲۷۷).

### قزلی

از قبایل بادیه نشین قشقایی ( ترك) فارس و لارستان ۱۸۹۰ (كرزن ۱۸۹۲ - جلد ۲ ص ۱۱۲ - ۱۱۴).

### قشقایی

۱ - قبایل ترك در فارس و لارستان - بادیه نشین (كرزن ۱۸۹۲ - جلد ۲ ص

## فهرست قبائل و گروه‌های نژادی - ۷۸۷

۲۷۰) و روایت بر اینست که از اولاد نژادی هستند که هلاکوخان از کشف بایران انتقال داد. نویسنده آنها را لرهای ترك خوانده زیرا از فامیل لر محسوب میشوند و از حیث آداب و رسوم با بختیارها و کوهگلوها فرق زیادی ندارند. قشلاق آنها در گرمسیر فارس است ولی تابستان را در کوهستان بسر میبرند. زمانی از لحاظ تعداد زیاد و نیرومند بودند ولی قحطی سال ۱۸۷۱-۲ از تعداد آنها کاست. هر سال عده‌ای از آنها اسکان می‌یابند و در حدود سال ۱۸۷۰ متجاوز از ۶۰ هزار خانوار بودند. در حدود ۵ هزار خانوار به بختیاری و ۵ هزار خانوار به خمسه ملحق شدند و چهار هزار خانوار در دهات مختلف سکونت اختیار کردند. جمع کل آنها به ۲۵ هزار خانوار تقلیل یافت. طبق آخرین اطلاعات عده آنها بین ده هزار تا دوازده هزار چادر است. قبایل قشقایی تا ۱۸۷۵ عبارت بودند از: کشکولی - دره شولی - شش بلوکی - فارسیمدان - صفی‌خانی - ایبکدر - علیقلیخانی - گله زن کروی - قره‌چای - دارا گای - رحیمی - کوری شولی - اوردشیری - جعفر بیگی امام‌قلیخانی - داراب‌خانی - عمله‌ایلخانی - بهادر خانی - قبادخانی - قبایل قشقایی ۱۸۹۰: الف - بادیه نشین: کشکولی - دره شولی - شش بلوکی - فارسیمدان - صفا - خانی - اکدیر - علاکویتی - گله زن - حاجی مسیح خان - ارکین - بولی - قزلی خوانین - نوکرباب .

ب- ده نشین: چهارپنجه - پبلیسی - زنکین - عالیگلو (جلد ۲ - ص ۱۱۲ - ۱۱۴).  
 ۲ - قشقایها که از نژاد ترکمن هستند زبان ترکی را حفظ کرده‌اند. ایل در حدود ۱۳۰ هزار نفر است. در طی ییلاق و قشلاق خود از همه قبایل دیگر دورتر میروند بطوریکه قشلاق آنها در گله دار نزدیک خلیج فارس و ییلاق آنها در حدود ۲۰۰ میل شمالی به‌حوالی قمشه میرسد و در آنجا با بختیارها تماس پیدا میکنند. چندین ناحیه فارس کلا در دست قشقایها بوده و بدینوسیله جمعیتی متجاوز از ۱۰۰ هزار ده‌نشین تحت تسلط آنها بود. قبایل عمده عبارتند از دره - شوری - کشکولی - فارسیمدان - شش بلوکی - صفی‌خانی - گله زن (سایکس ۱۹۲۱ - جلد ۲ - ص ۴۷۷ - ۴۷۸).

قلجی

(غلزائی) رجوع شود به خلجی.

## ۷۸۸ - مردم شناسی ایران

### قنبرانی

نماینده در اویدیها (براهوئی) در بلوچستان (مکمون ص ۷).

### قیچک

یا کیچک از قبایل بعدی چهار ایماک (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۱ ص ۱۹۸).

### کااولی

کولیهای فارس را کااولی مینامند که تحریف شده کابلی است. غربتی نیز بکار برده میشود (مایکس ۱۹۰۲ - ص ۳۴۴).

### کاجار

رجوع شود به قاجار.

### کاردوچی

همان کاردوچی گزنفون (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۱ - ص ۵۴۹-۵۵۱).

### کاسپیان

اگر نامی برای مردم بومی قبل از ایرانیان این کشور لازم باشد صلاح در آنستکه آنها را کاسپیان خواند (هرتسفلد ۱۹۳۵ - ص ۲).

### کایان

ادعای نسب از سلسله کای سیروس میکنند بساکنین فعلی سیستان ایران (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۱ - ص ۲۲۸).

### کترتان

رند مکران از اعراب قبیله کترتان هستند (دبیکر ص ۵۰۸).

### کثیرال

قبیله عرب در خوزستان که تعداد افراد ذکور آن از ۵۰۰ متجاوز است (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۲ - ص ۳۲۰ - ۳۲۲).

### کرتن‌ها

طبق نظر استرابو در ساحل خزر در میان ایرانیان پیدا می‌شوند. از نظر جغرافیائی و زبانشناسی کرتن‌ها را میتوان کرد محسوب داشت (لارنس).

### کرد

۱ - نام کرد دزیونائی و لاتیئی با کرد Gord یا کرد Cord شروع میشود (لارنس).

۲ - در کردستان هنوز نژاد خشن و اصلی سکوت دارند نواحی نزدیک دجله تحت نظر حکومت ترکیه و بقیه تحت اداره پادشاه ایرانند. دو رئیس قبیله کرد قبایل خود را در شمال مشهد و در کوهستان خراسان مستقر کرده‌اند (ملکم - جلد ۲ ص ۲۳۱).

۳ - زبان کرد شامل ۹ فامیل و تعداد کردها ۷۹۰۰ نفر است (شوهرل ص ۲۰).

۴ - از نژاد آریان هستند. با ایرانیان قرابت دارند ولی از آنان نیستند (پریچارد ص ۱۷۱).

۵ - اندازه‌های سرشاخص سر ۸۶/۳ (دوخانیگف ص ۵۹ و ۶۳) بطور کلی چشم کردها سیاه و بزرگتر از چشم افغانها است. مربع‌تراز چشم ایرانیان مغرب و تاجیکها و پشتوها است ولی شباهت با مردم اخیر جالب توجه است (ص ۱۰۷ - ۱۰۸)، عرض بین دو حدقه چشم نسطوریها شبیه کردها است (ص ۱۱۱ - ۱۱۲) اندازه‌های جمجمه (ص ۱۳۳ - ۱۳۹).

۶ - کرد وحشی لر از حیث خصوصیات جسمانی خیلی شبیه مادیهای باستانی است (رالینسون - جلد ۲ - ص ۳۰۷).

۷ - طبق نظر هتوم - شیندلر تعداد کردها و لکها در ایران ۱۳۵۰۰۰ خانوار است. زولوتارف تعداد کردهارا ۶۰۰۰۰۰ تخمین میزند (کرزن ۱۸۹۲ -

جلد ۲ - ص ۴۹۲ - ۴۹۴). کردها لك هستند. اقلیتی از آنان اسکان یافته‌اند (جلد ۲ - ص ۲۶۹-۲۷۰). کردستان فقط يك اصطلاح مناسب جغرافیائی برای کلیه ناحیه‌ایست (در حدود ۵۰۰۰۰ میل مربع) که کردها در آن سکونت دارند. شامل اراضی واقع در ایران و ترکیه هر دو میگردد. اصل و نسب کردها درست معلوم نیست. از لحاظ خصوصیات و نام و محل با کردوچی گزنفون مطابقت دارد (جلد ۱ - ص ۵۴۹ - ۵۵۱). تعداد جمعیت کرد تحت حکومت عثمانی بین يك تا يك میلیون ونیم تخمین زده شده است. علاوه بر کلنی‌های کرد در خراسان نقرات کرد زیر صورت داده شده است: ۲۵۰ هزار کرد مرزی و کرد آذربایجانی - ۱۲۰ هزار کرد در کردستان - ۲۳۰ هزار نفر در کرمانشاه که جمع کل آنها در خاک ایران ۶۰۰ هزار نفر میشود. کلنل استوارت (۱۸۹۰) کردهای آذربایجان را ۴۵۰ هزار نفر صورت داده است. کردها دارای مو و چشم مشکی و قیافه تیره و عبوس و حرکات مغرورانه میباشد (جلد ۱ - ص ۵۵۳ - ۵۵۵) کردهای آذربایجانی عبارتند از: قبایل شکاک - هرکی - اورامر - قره پاپک - مگری - منگوری - مامش - ززا - وحیدرائلو. پایتخت محلی آنان ساوجبلاغ است قبایل کرد کردستان ایران عبارتند از: کلهر - نیلاکو - گلپافی - شیخ اسمعیل - پوربیشاه - مندای - مامون - جیراچی - گوشکی - گورگاهی - لك و شمشیری. کردهای کرمانشاه عبارتند از: کلهر - سنجابی - گوران - کرندی - بورنجی - جالوند - زنگنه - هماوند - سونگورو - گولیاپی - ننه کولی - جلیلووند - مافی - چوبان کره - قزیل - حلولان - اخور - (جلد ۱ - ص ۵۵۵ - ۵۵۷). بنظر میرسد که لرها و کردها از يك گروه نژادی باشند ولی لرها این مطلب را توهین بخود دانسته و کردها را لك میخوانند (جلد ۲ - ص ۲۷۳ - ۲۷۵). کردگلی شعبه‌ای از کردهای کردستان در سیستان ایران سکونت دارند (جلد ۱ - ص ۲۲۸) بلوچیه تسلیم قبایل کوچکنتر و جنگجوی کرد هستند (جلد ۲ - ص ۲۵۸ - ۲۵۹). در سرحد شمال بلوچستان تعدادی کرد وجود دارد. سنی هستند. ساکنین پشت کوه هستند (جلد ۲ - ص ۲۶۲-۲۶۳). دایرة المعارف بریتانیا قبل از ۱۸۹۲ تعداد کردهای خراسان را ۲۵۰ هزار نفر ذکر کرده است (جلد ۱ - ص ۱۷۹). در حدود سال ۱۶۰۰ شاه عباس آنها را کوچ داد. در فوجان اغلب کرد های زعفرائلو هستند. قبیله شاهدلو در بجنورد هنوز اکثریت جمعیت را تشکیل میدهند. (جلد ۱ ص ۱۹۱) قبایل مهاجرت داده شده که تعداد آنها ۱۵ هزار

## فهرست قبائل و گروههای نژادی - ۲۹۱

خانوار است عبارتند از شاهدلو - زعفرانلو - کیوانلسو - امانلسو (عمارلو) (جلد ۱ ص ۹۸) چند فامیل کرد در کلات نادری وجود دارد (جلد ۱ - ص ۱۳۹).

۸ - زمانی کردها ساکن مازندران بودند. کردهای کردستان و کرمانشاه باید جزو ایرانیان بشمار آیند زیرا در زبان و شکل سر شباهت دارند. کردهای مرکز ایران از حیث حال تکبر آمیز و بینی عقابی و گونه برجسته با سایر قبایل فرق دارند. مرحله تحول بین بادیه نشینی و ده نشینی را نشان میدهند. کردها از پرموتربین گروهها هستند. موی آنها مجعد لب متوسط تا کلفت دندان متوسط تا کوچک. قد میانگین ۱۶۴/۲ - ۱۹۸/۲ - شاخص سر ۷۷/۶۸ - (۷۶/۷-۷۷/۶) حداکثر قطر پیشانی ۱۰۴ - عرض گونهها ۱۳۸ - عرض فکین ۱۰۱/۴ - میانگین شاخص سر ۷۸/۱. کردهای قفقاز سر متوسطند (دائیلو).

۹ - پازکی که يك قبیله بادیه نشین کرد است در خوار وورامین مشرق تهران سکونت دارند (هتوم - شیندلر ص ۴۸).

۱۰ - کردها بطور عمده ساکن ترکیه آسیا هستند ولی از حیث زبان و خصوصیات جسمانی ایرانی هستند. کردها و ارمنیها برای تفوق بر آسیای صغیر با هم رقابت دارند. تقریباً رویهمرفته دو میلیون کرد وجود دارد که دو سوم آن در ترکیه آسیا و بقیه در ایران و چند هزار در قفقاز هستند. احتمال میرود از اولاد کلدانیها باشند. با اعراب سوریه قرابت دارند. حملات مغول و ترک در آنها تأثیر لکرده است. تیره رنگ، با چشمان سیاه، سر و صورت دراز و باریک، بینی صاف یا مقعر، قد متوسط، عادات بادیه نشینی (ریپلی - ص ۴۴۲-۴۵۲).

۱۱ - در خراسان نیز کرد هست (سایکس ۱۹۲۱ - جلد ۱ - ص ۳۹۲). شاه عباس چند هزار نفر کرد را از کردستان بشمال خراسان منتقل کرد. در دشت انرک نرکهای گرایلی را بیرون کردند و امروز ناحیه آبادی تشکیل دادهاند (جلد ۲ - ص ۱۷۴).

۱۲ - کردها قومی هستند که از خارج بایران آمدند (هدون ص ۱۰۲ - ۱۰۳) پس از ترکها به سراسر شمال ایران مهاجرت کردند (ص ۹۷).

۱۳ - کردهای خراسان بلندقدترند ولی قیافه آنها به خوش برشی و زاویه صورت آنها به بلندی کردهای مغرب نیست از لحاظ نوع جسمانی به لرها بیشتر شباهت دارند تا به کردهای غرب. در بین آنها افراد موبور خیلی نادر است موی

خود را با حنا رنگ میکنند . بلوچها با کردها خیلی فرق دارند ( ایوانو - ص ۱۵۲ ) .

۱۴ - بین خاك تركيه و آذربایجان کردها رفت و آمد زیاد دارند ( ویلسون ۱۹۳۲ - ص ۶۰ - ۷۰ ) قبایل کرد در لرستان و فارس و خراسان یافت میشوند ( ص ۳۳ - ۳۴ ) .

۱۵ - بعضی از افراد تروالی و هوتزا را میتوان با کردها اشتباه کرد ( استاین ۱۹۳۶ - لوحه‌های I - III ) .

### گرمانیان

۱ - هرودوت آنها را گرمانیان خوانده است . در حوالی کرمان سکونت دارند . مردمی مشخص و بدوی‌تر از ایرانیان هستند ( لارنس - یادداشت به هرودوت I - ۱۲۵ ) .

۲ - بایران مهاجرت کردند و نام کرمان از آنها است ( سایکس ۱۹۲۱ - جلد ۱ - ص ۹۵ - ۹۹ ) .

### گرنندی

قبیله کرد کرمانشاه نیمی بادیه نشین و نیمی دهنشین بین گرنند و هارون آباد . علی اللهی ۳۰۰۰ خانوار ( کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۱ - ص ۵۵۷ ) .

### گرونی

از قبایل بادیه نشین قشقایی ( ترك ) فارس و لرستان ۱۸۷۵ ( کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۲ ص ۱۱۲ - ۱۱۴ ) .

### کره پاپک

رجوع شود به قره پاپک .

### کره گوزلو

رجوع شود به قره گز او .

## فهرست قبائل و گروه‌های نژادی - ۲۹۳

### کشکولی

- ۱ - قبیله بادیه نشین قشقائی ( ترك ) فارس و لارستان ۱۸۷۵ و ۱۸۹۰ کرزن ( ۱۸۹۲ - جلد ۲ - ص ۱۱۲-۱۱۴ ).
- ۲ - یکی از قبایل عمده قشقائی ( سایکس ۱۹۲۱ - جلد ۲ ص ۴۷۷ - ۴۷۸ ).

### کلدانیان

- ۱ - آنهاییکه نزدیک ارومیه و سلماس و سرچشمه رود زاب زندگی می - کنند بدون شك از نژاد سامی هستند ( دوخانیکیف - ص ۱۱۰ ) نسطوری و کلدانیها يك قوم واحدند . کلمه کلدانی نامی است که در قرن هیجدهم از طرف ژرژوئیتها به نسطوریهای کالولیک شده بآنها داده شد ( ص ۱۱۱-۱۱۲ ).
- ۲ - هتوم - شیندلر تعداد نسطوریها و کلدانیان ایران را ۲۳۰۰۰ نفر ذکر کرده است ( کرزن ۱۸۹۲ - جلد - ص ۴۹۲ - ۴۹۴ ) عناصر کلدانی در کردستان یافت می‌شود ( جلد ۱ - ص ۵۴۹ ) .
- ۳ - احتمال می‌رود کردها از اولاد کلدانیها باشند ( ریپلی ص ۴۴۲-۴۵۲ ).

### کلموک

- ۱ - شاخص سر ۸۳/۸ ( هوسی ص ۱۱۰ ).
- ۲ - ایوانوسکی قبایل مختلف کلموک را اندازه گیری کرد و آنها را شاخص - ترین نمونه مغولی محسوب داشت عرض دو گونه ۱۵۸/۰ ( دانیلو - ستون ۹۳ ) .
- ۳ - بربریهامغول خالص هستند . شخص را بیاد کلموکها میاندازند ( ایوانو ص ۱۵۵ ) .

### کلهر

- ۱ - قبیله کرد در سقز کردستان : ۳۰۰ خانوار ( کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۱ - ص ۵۵۵ - ۵۵۲ ) قبیله کرد کرمانشاه : پنجهزار خانوار قسمتی بادیه نشین و قسمتی ده نشین . بیلاق آنها کوهستان شمال غربی پشت کوه و قشلاق آنها دشت‌های زه آب و قصر شیرین تا مرز ترکیه است . شیعه یا علی‌اللهی هستند رالینسون از قیافه

یهودی نمای آنان تصور کرد که ممکن است از اولاد اسرای سامری باشند که در شهر آسوری کلهور هلا (سر پل زهاب؟) قرارداد شده بودند (جلد ۱ - ص ۵۵۲)

### گندزلی

قبیله عرب در خوزستان که تعداد افراد ذکور آن از ۵۰۰ متجاوز است (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۲ ص ۳۲۰ - ۳۲۲).

### کوچیت

شوشیهای باستانی که شاید مخلوطی از کوچیتها و سیاهپوستان بودند (هوسی ص ۱۲۶).

### کودراها

شاید کاردوچی گزلفون همان کودراهای کتیبه‌های میخی باشد (کرزن ۱۸۹۲ جلد ۱ - ص ۵۴۹ - ۵۵۹).

### کور شولی (گرد شولی ؟)

از قبایل بادیه نشین فشقائی (ترك) فارس ولارستان ۱۸۷۵ (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۲ ص ۱۱۲ - ۱۱۴).

### کوزنگی

نام کولیها (ایوانو ص ۱۵۵).

### کوچیان

ساکنین کشور شمال پارسها و مدیها تا کنار دریای سیاه (هرودوت IV-۳۷).

### کولی

۱ - اردوهای کوچک آنها اغلب در ایران بخصوص در آذربایجان دیده میشود ترکها آنها را قره چی یعنی دام سیاه میخوانند (ملکم - جلد ۲ - ص ۵۹۶).

## فهرست قبائل و گروههای نژادی - ۲۹۵

- ۲ - طبق نظر هتوم - شیندلر تعداد بلوچها و کولیهها در ایران ۴۱۴۰ خانوار است (کرزن ۱۸۹۲ جلد ۲ - ص ۴۹۲ - ۴۹۴).
- ۳ - کولیهای ایران از نظر اندازه سر شبیه ساکنین ایرانند (دانیلو - متون ۱۳۵).
- ۴ - کولیهها در هر ناحیه ایران نام خاصی دارند ، در کرمان لولی - در بلوچستان لوری - در فارس کولی که از کابلی گرفته شده و غربتی - در آذربایجان قرهچی - در خراسان غر شمال که از غیر شمار گرفته شده است . در ترکیه بآنها چنگیانی میگویند که ریشه کلمه زنگاری اروپا است از لحاظ قیافه و شکل با دستاویان ایران فرق دارند . خودشان خود را فیوجی میخوانند که گفته میشود عربی است (سایکس ۱۹۰۲ - ص ۳۴۲).
- ۵ - جات (در عربی زات) خوانده میشوند. خالد بن ولید آنها را در قرن هشتم از دره سند به باطلاحهای دجله سوق داد . بعد به خاقین از مرز ترکیه و مرزهای سوریه تبعید شدند (سایکس ۱۹۲۱ - جلد ۲ - ص ۱۱).
- ۶ - در ترکستان بین سیحون و جیحون یافت میشوند (هدون ص ۱۰۴).
- ۷ - کولیهها بنام غر شمال و جات و کزنگی و غیره بادیه نشین هستند و دارای خصوصیات جسمانی متنوع میباشند (ایوانو ص ۱۴۵).

### کولیایی

قبیله ده نشین کرد شمال کرمانشاه تعداد سونگورو و کولیایی ۲۵۰۰ خانوار است (کرزن ۱۸۹۲ جلد ۱ - ص ۵۵۷).

### کوهگلو

سرشماری ۱۸۸۱ تعداد کوهگلوهای ایران را ۴۱۰۰۰ نفر ذکر میکند. لر هستند (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۲ ص ۲۷۲ - ۲۷۵) قشائیهها فرق زیادی با کوهگلو ندارند (جلد ۲ - ص ۱۱۲ - ۱۱۴).

### کهنی

بعضی از اعراب خود را بالائر از کهنیهای عین میدانند و ارتباط خود را

با ایران برخ میکشند (مدی ۱۹۱۹ - ص ۲۳۳).

### کیوانلو

قبیله کرد که در زمان شاه عباس از ایالات شمال غربی بخراسان کوچ داده شدند (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۱ - ص ۹۷ - ۹۸).

### گیر

- ۱ - نژاد خشن از اولاد ایرانیان قدیم (شاران - ص ۳۴).
- ۲ - گیرهای آزاد شده که محدود بیک محله شهر یزد هستند از چهار هزار قامیل کمترند (ملکم جلد ۲ - ص ۵۱۸ - ۵۲۱).
- ۳ - اندازه های سر - شاخص سر ۷۰/۳ ( دوخانیگف ص ۵۹ و ۶۳ ) گیرها که تقریباً شبیه تاجیکها هستند دارای یک خصوصیت میباشند و آن اینکه بینی عقابی در میان آنها نادرتر است (ص ۱۰۳ - ۱۰۵) در بین گیرها و تاجیکها بیش از همه صفات و خصوصیات بدوی دیده میشود (ص ۱۰۷ - ۱۰۸). اندازه گیری پنج جمجمه گیر در منت پطرزبورگ (لنین گراد) زیر نام ایرانیان صورت داده شده است (ص ۱۳۳ - ۱۳۹).
- ۴ - غیر مسلمان - مهاجرت گیرها از جمعیت ایران کاست (پولاک - گزارش ۸۷۳) مقایسه شود با (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۲ - ص ۴۹۲).
- ۵ - گیرها (زرنشتیان) گروه مذهبی و نژاد مخلوط هستند که بطور کلی از تاجیکها و عجمها تشکیل یافته اند (هوسی ص ۱۰۷).
- ۶ - در یزد تعداد زیادی گیر یا پارسی وجود دارد ۳۵۰۰ - ۷۰۰۰ نفر (کرزن ۱۸۹۲ جلد ۲ - ص ۲۴۰ - ۲۴۱).
- ۷ - گیرها یا آتش پرستان منسوب به پارسهای هند از گروه سر دراز هستند (دانیلو ستون ۱۰ - ۱۹ و ۲۶ - ۲۸). زیر سردراز. شاخص سر ۷۰/۱ (ستون ۴۵) عرض سر و گونه‌ها نسبتاً زیاد. جمجمه های گیرها تا حدی شبیه جمجمه ترکمنها است ولی خصوصیات مغولی بهیچوجه مشاهده نمیشود. جمجمه های گیر تقریباً با جمجمه های مردم قدیم قفقاز یکسان است.
- ۸ - معدودی زرنشتی که در ایران آنها را گیر میگویند در تهران مستقر

## فهرست قبائل و گروه‌های نژادی - ۷۹۷

شده‌اند (هتوم - شیندلر. ص ۴۸).

۹ - یزد مرکز عمده پارسیها و گبرها است (علیشاه ص ۱۰ - ۲۱).

### مگرچی

شاخص سر ۸۶/۰ و ۸۴/۰ (دایلو - ستون ۵۳ - ۵۵).

### گلپاشی

یکی از قبایل کرد که تعداد آنها متجاوز از ۵۰۰ خانوار است و نزدیک هواتو کردستان زندگی میکنند (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۱ - ص ۵۵۵ - ۵۵۷).

### گلچا

۱ - قبایل گلچای پامیر و شال هندو کش ارانی خوانده میشوند (اوجقالوی ص ۴۴).

۲ - فقط وقتی بارتقاعات هیمالیا در میان گلچاها داخل میشود مو و چشم کم رنگتر مشهود است (ریپلی ص ۴۴۲ - ۴۵۲).

۳ - تاجیکهای دشت از تاجیکهای کوهستان یا گلچاها سفیدترند (هدون ص ۱۰۲ - ۱۰۳) گلچاها از نوع سر کوتاه هستند (ص ۲۷). گلچاها خالصترین مردمان پامیری هستند (ص ۱۰۳ - ۱۰۴).

۴ - تاجیکها در ترکستان روس تا آنسوی پامیر (گلچا) بسط دارند (دنیگر ص - ۵۰۵ - ۵۰۶).

### گله زن

یکی از قبایل بادیه نشین قشقائی (ترك) فارس و لارستان ۱۸۷۵ و ۱۸۹۰ (کرزن ۱۸۹۲ جلد ۲ - ص ۱۱۲ - ۱۱۴).

### گله زن اقری

یکی از قبایل عمده قشقائی (سایکس ۱۹۲۱ - جلد ۲ - ص ۴۷۷ - ۴۷۸).

### گندوزلو

- ۱ - یکی از قبایل ترك افشار که در زمان صفویه یا زودتر جدا شدند (لایارد ص ۷) .
- ۲ - لایارد میگوید گندوزلوها که یکی از قبایل بختیاری هستند از مرکان افشارند (هوسی ص ۱۲۲) .

### گور

- ۱ - گورها تقریباً مانند ایرانیان امروز ( ۱۶۵۰ ) از نوع نسبتاً خشن هستند (پیتر دولواله ص ۱۰۵ - ۱۰۶) .
- ۲ - گورها یا آتش پرستان از میمونها زشت تر نیستند ( پاتراجلوس مقایسه شود با دوخانیکف ص ۴۸ ) همچنین مراجعه شود به کبرها .

### گوران

- قبیله کرد در کرمانشاه که قسمتی بادیه نشین و قسمتی اسکان یافته . بین ناهید دشت و هارون نشین خان - علی الهی - ۵۰۰۰ خانوار ( کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۱ - ص ۵۵۲) .

### گورگای

- قبیله کرد در کردستان نزدیک لیلای ۳۰۰ خانوار (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۱ - ص ۵۵۵ - ۵۵۷) .

### گوشکی

- قبیله کرد در کردستان نزدیک بلور : ۴۰۰ خانوار (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۱ - ص ۵۵۵ - ۵۵۷) .

### گولان

- ۱ - شاخص سر ۸۱/۴۵ - زیر مغولها نام برده شده است ( هوسی ص ۱۱۰ بیعد) .

## فهرست قبائل و گروه‌های نژادی - ۷۹۹

۲- طایفه‌ای از قبایل ترکمن (بکستون ۱۹۲۹- ص ۶۲۳).

### گیلانی

۱- گیلانی و مازندرانی : اندازه‌های سر شاخص سر ۸۴/۲ (دوخانی‌کف ص ۵۹ و ۶۳).

۲- گیلانیها و مازندرانیهای ساحل از لحاظ زبان و خصوصیات جسمانی فرق زیادی ندارند . قد متوسط - مو و چشم کمی روشن تر از ساکنین فلات ایران - پوست رنگ پریده - حرکات کند و غیرچابک ( دایلو - ستون ۱۰ - ۱۹ - ۲۶ - ۲۸).

### لر

۱- زبان لری شش قامیل دارد و متشکل از ۸۴۵۰۰ نفر است که شامل فیلی‌ها و بختیاریها میشود ( شوهرل ص ۲۰ ).

۲- کردها و لرهای وحشی از حیث خصوصیات جسمانی شبیه مادیهایی باستانی هستند ( رالینسون - جلد ۲ ص ۳۰۷ ).

۳- زیر آریانیهای ایران نام برده شده‌اند (هوسی- ص ۱۰۳) . اندازه‌های پنج لر ( ص ۱۱۱ ) شاخص سر ۲۳/۵۷ ( ص ۱۱۰ ) بینی دراز و بزرگ ( ص ۱۱۵ ) . جانکی‌ها شباهت ظاهری به لرها دارند : قد بلند - بدن قوی - ریش و مو نرم و مجعد - خیلی بلند و خیلی سیاه - بینی دراز و صاف پوست کمرنگ . احتمال می‌رود قبایل ترک در اینجا ( بین ملامیر و رامهرمز ) با لرها مخلوط شده باشند بعضی از جانکی‌ها موی سیاه و چشم آبی دارند که از خصایص لرها است ( ص ۱۲۲ - ۱۲۶ ) شاخص بینی ۶۶/۲ ( ص ۱۳۳ ).

۴- زلوتارف از ۱۸۸۸ لرهای ایران را ۷۸۰۱۰۰۰ تخمین زده است . هتوم - شیندلر ( ۱۸۸۴ ) بختیاریها و لرها را ۴۶۸۰۰ خانوار تخمین می‌زند ( کوزن ۱۸۹۲ - جلد ۲ - ص ۴۹۲ - ۴۹۴ ) لرهای یکی از عناصر عمده‌لک هستند . اقلیتی از آنها اسکان یافته‌اند (جلد ۲- ص ۲۶۹ - ۲۷۱) اصل و نسب لرها را نمیتوان بدروستی معین کرد بنظر میرسد که بهمان گروه نژادی کردها تعلق داشته باشند زبان آنها لهجه فارسی است ولی با کردی خیلی فرق ندارد . لرها کرد بودن را

توهین میداند . اغلب نویسندگان لر ها را از بقایای نژاد آریان یا ایرانی میدانند. احتمال میرود از نژاد آریان باشند قرنها است در کوهستان فعلی ساکنند . کلمه فیلی یعنی یاغی درحالیکه ایرانیان عصر حاضر بشخص نفهم لر خطاب میکنند . طبق نظر رالینسون ( ۱۸۳۶ ) تعداد لرهای فیلی و اتباع آنها ۵۶ هزار خانوار است لایارد ( ۱۸۴۳ ) تعداد آنها را ۴۹ هزار خانوار ذکر میکند . رالینسون جمع کل بختیاری و اتباع آنها را ۲۸ هزار خانوار ولایارد ۳۷۷۰۰ خانوار ذکر کرده اند . طبق محاسبه ۱۸۸۱ فیلی و اتباع آنها ۲۱۰۰۰۰ نفر بختیاری و اتباع آنها ۱۷۰۰۰۰ نفر . کوهگلو و اتباع آنها ۴۱۰۰۰ نفر . جمع کل لرها ۴۲۱۰۰۰ نفر . نام فیلی محدود بقبایل پشت کوه است و بهمه ناحیه لر کوچک اطلاق نمیشود. (جلد ۲ - ص ۲۷۳-۲۷۵) قشقایهای فارس و لارستان را گاهل لر میگویند بعلت آنکه رفتار و عادات آنها شبیه بختیاریها و کوهگلوها است (جلد ۲ ص ۱۱۲-۱۱۴).

۵- مذهب و خصوصیات جسمانی لرها حاکی از آنست که بخالصترین قبایل ایرانی تعلق دارند . قد ۱۶۸ از نوع زیر سر دراز . شاخص سر ۲۳/۶ (دانیلو).  
 ۶- قبیله لرزند نزدیک قم سکونت دارند (هتوم - شیندلر- ص ۴۸).  
 ۷- لری یا کوهستانی نوع خالص ایرانی هستند . از فارسیها سیاه تر و بلند ترند اغلب موی سیاه و صورت بیضی شکل دارند و شبیه نژاد مدیترانه میباشد (ریپلی ص ۴۴۲-۴۵۲).

۸- یکی از دو نوع ایرانی - لرها بلندتر از فارسیها هستند و از طبقه سر درازند سیاه تر اغلب باموی سیاه صورت بیضی و قیافه منظم بنظر میرسند بیکی از شعب نژاد مدیترانه یا مشابه آن تعلق داشته باشند (هدون ص ۱۰۲-۱۰۳).  
 ۹- کردهای خراسان بیشتر شبیه لرها هستند تا کردهای غرب ( ایوانو ص ۱۵۲).

### نژادی

از لحاظ خصوصیات جسمانی شبیه اوتها میباشند ( دوخانیکف - ص ۱۱۳ - ۱۱۴).

## فهرست قبائل و گروههای نژادی - ۸۰۱

### لك

- ۱- طبق نوشته هتوم - شیندلر تعداد کردها و لك ها ۱۳۵۰۰۰ خانوار است ( کرزن ۱۸۹۲ جلد ۲- ص ۴۹۲ - ۴۹۴ ). لكها يك طبقه بزرگ بی نام هستند که معمولاً بنام عناصر تشکیل دهنده آن شناخته میشوند که عمده ترین آنها کرد و لر و قبایل فیلی و بختیاری و ممسنی و شعب مختلف آنها است . همه آنها تاحدی عناصر اسکان یافته دارند (جلد ۲- ص ۲۶۹ - ۲۷۰ ) تعداد لكهای کرد در اردلان نزدیک لیلای هزار خانوار است (جلد ۱ ص ۵۵۵ - ۵۵۷) لرها کردها را حقیر می‌شمارند و آنها را لك میخوانند (جلد ۲- ص ۲۷۳ - ۲۷۵).
- ۲- خواجهرند یا خجاوند و لكهای دیگر در دشتهای شمال شرقی تهران سکونت دارند . شامل ننه کلی و کله کوه در مشرق عراق ایران میباشند . از قبایل بومی محسوب میشوند ولی بزبان مخلوط از فارسی و ترکی تکلم می کنند . لكهای دیگر بلهجه شبیه کردی حرف می‌زنند (هتوم - شیندلر - ص ۴۸ ببعد).

### لوری

در بلوچستان به کولیهای لوری میگویند (سایکس ۱۹۰۲ ص ۳۴۴).

### لولی

نام کولیها در کرمان (سایکس ۱۹۰۲ ص ۳۴۴).

### مادیها

- ۱- مادیها در قسمت شمال پارسیها زندگی می کنند (هرودوت IV - ۳۷ ). مادیها متشکلند از : بوسامی - پارتاچینی - استروچات - اریزاشی - بودینی و مگی (هرودوت I - ۱۰۱).
- ۲- قبایل عاد شامل بادیه نشین و ده نشین بودند ( لارنس - یادداشت بر هرودت I - ۱۰۱).
- ۳- تنها مردم ایران که در کتاب مقدس از آنها نام برده شده مادها هستند (دوخائیکف - ص ۴۲۷).
- ۴- در حجاریهای هخامنشی تصویرزن مادی دیده نمیشود . شاید کردها و

لرهای وحشی تقریباً با مادیهای باستانی مطابقت داشته باشند ( رالینسون - جلد ۲ - ص ۳۰۲).

۵- مادها و مادیهای اولیه هر دو آریان بودند (برینتون ص ۳۲).

۶- يك طبقه در ایران شامل اولاد پارسهای باستانی هستند از جمله پارسی-ها نماینده مادیها (فین ص ۳۲-۳۳).

۷- احتمال می‌رود که مادیها و پارسها زندگی گانی شبیه زندگی بادیه‌نشینان داشتند (سایکس ۱۹۲۱- جلد ۱ ص ۱۷۰-۱۷۱). تصور می‌رود که مادیها از جنوب روسیه بایران مهاجرت کردند و بتدریج قسمت مغرب ایران را اشغال کردند. دومیگان میگویند مادیها در حدود ۲۰۰۰ سال قبل از میلاد داخل ایران شدند (جلد ۱- ص ۹۵-۹۹).

۸- از استپ‌های اروپا (اروپا و آسیا) نوردیک‌های اولیه آمدند که در تاریخ بنام مادها و ایرانیها شناخته شدند (هدون ص ۱۰۲-۱۰۳).

۹- مدائی شاید مادیها و مدا آسوریان باشند، در کوهستانهای کرد در مشرق دریایچه ارومیه در حدود ۸۴۰ قبل از میلاد مستقر شدند. پنجاه سال بعد در ماد پیدا شدند. مادها نامیده میشدند (یونانی‌مد). قوم آریائی بودند که با آریائیهای شمال هند و آریائیهای اروپا قرابت داشتند. و یکی از قبایل آلمان پارسها بود. اصطلاح ماد در زمان قدیم شامل سکنه همه نواحی بود که بآنجا مهاجرت کرده بودند (سایکس ص ۲۳-۲۴).

۱۰- آسوریها در قرن نهم قبل از میلاد حضور امادائی - مادا و مدیهارا بین دریایچه ارومیه و دشت همدان ثبت کرده‌اند (هرتسفلد ۱۹۳۵- ص ۶-۱۰).

### مارونیت

مارونیت‌های سوریه طبق نظر فن لوشان نماینده هیتی‌های باستانی هستند (هیتی - ص ۱۵).

### مازندرانی

۱- اندازه سرمازندرانیها و گیلانیها: شاخص سر ۸۴/۲ (دوخایکف - ص ۵۹ و ۶۳) مازندرانیها از نوع خالص ایرانی هستند. قد متوسط - مو مشکی -